

ترجمه انگلیسی این مقاله نیز با عنوان:  
Investigation of the Position of Liminality in the Architecture of Villa Houses in the  
Northern Area of Central Tehran Constructed During the Pahlavi Era Based on the  
Concept of Dwelling by Norberg Schulz  
در همین شماره مجله به چاپ رسیده است.

مقاله پژوهشی

بررسی جایگاه آستانگی در معماری خانه‌های ویلایی شمال بخش مرکزی  
تهران در دوره پهلوی بر اساس مفهوم سکونت نزد نوربرگ شولتز\*

فرزانه قاسمی<sup>۱\*</sup>، سیدسعید سید احمدی زاویه<sup>۲</sup>، آرزو منشی‌زاده<sup>۳</sup>

۱. دکتری پژوهش هنر، گروه پژوهش هنر، دانشکده پردیس بین‌المللی فارابی، دانشگاه هنر ایران، تهران، ایران.
۲. دانشیار، گروه پژوهش هنر، دانشکده علوم نظری و مطالعات عالی هنر، دانشگاه هنر ایران، تهران، ایران.
۳. استادیار، گروه معماری، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه هنر ایران، تهران، ایران.

تاریخ انتشار: ۱۴۰۳/۰۶/۰۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۴/۱۰

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۸/۰۹

چکیده

**بیان مسئله:** آستانگی، مرحله‌ی میانی از فرایند گذار، شامل جدایی، انتقالی / آستانه‌ای و پیوستن، نزد صاحب‌نظران انسان‌شناسی است. این مفهوم، در امر سکونت نزد نوربرگ شولتز ناظر بر رابطه‌ی متقابل «سرگردانی» و «ماندن» در فرایند جدایی تا رسیدن میان مراکز و راه‌ها، جهت ایجاد رابطه‌ی صمیمانه با مکان جایگاهی اساسی دارد؛ در این راستا، مجموعه ویژگی‌های آستانگی فضاها، حاصل از تبیین جایگاه آستانگی در سکونت بر مبنای سلسله‌مراتب، تحت عنوان ماهیت انفصالی-اتصال، گشودگی و نفوذپذیری، انعطاف‌پذیری و گوناگونی و پویایی قابل‌شناخت هستند.

**هدف پژوهش:** هدف این پژوهش، بررسی جایگاه آستانگی بر اساس ویژگی‌های فضایی حاصل از تبیین آستانگی در سکونت، در عرصه‌های سه‌گانه گذار نمونه‌هایی از خانه‌های ویلایی شمال بخش مرکزی تهران در دوره پهلوی است. در این راستا، این پژوهش با ارائه نتایج خود، شناختی از کیفیات آستانگی فضاهای مذکور با توجه به تغییرات آستانگی در دوره پهلوی در تهران به عنوان پایتخت، به وجود می‌آورد. نتایج پژوهش، به عنوان پاسخی به چستی جایگاه آستانگی در فضاهای مذکور، می‌تواند گامی در حوزه بررسی و طراحی فضاهای قابل سکونت، به عنوان هدف معماری، به ویژه مسکن، قلمداد شود.

**روش پژوهش:** این پژوهش توصیفی-تحلیلی، از طریق موردپژوهشی متکی بر مطالعات اسنادی، مشاهدات میدانی، مستندنگاری و تحلیل و مقایسه تطبیقی یافته‌ها انجام شده است.

**نتیجه‌گیری:** ماحصل تحقیق بیان می‌کند، بیشترین تغییرات در «سلسله‌مراتب»، «انفصال-اتصال» و «گشودگی» در «محدوده ورودی بنا»، «ورودی اتاق‌ها» و «فضاهای خارجی» است. این تغییرات، به ترتیب موجب غلبه گشودگی بر بستگی و انفصال بر اتصال؛ غلبه یکبارگی، ضعیف شدن حریم داخل اتاق - و در مواردی تقلیل خوانایی حال ورودی- و اشراف شده‌اند. علاوه بر این، «حال ورودی در ترکیب با راه‌پله» و «فضاهای نیمه‌باز» در نمونه‌های مطالعه‌شده دوره دوم پهلوی، نسبت به دوره اول، به لحاظ «ماهیت انفصالی-اتصال» قوی‌تر عمل کرده‌اند. از سوی دیگر، همواره به شاخص‌های «انعطاف‌پذیری»، «گوناگونی» و «پویایی»، علی‌رغم اشراف، توجه شده و به خصوص در بخش «فضاهای نیمه‌باز»، در بناهای دوره دوم نسبت به دوره اول، در تقویت جایگاه آستانگی تأثیرگذارتر بوده‌اند.

**واژگان کلیدی:** آستانگی، گذار، سلسله‌مراتب، انفصال-اتصال، مسکن، دوره پهلوی.

احمدی زاویه<sup>۱</sup> و مشاوره دکتر «آرزو منشی‌زاده» در خردادماه سال ۱۴۰۳ در دانشکده پردیس بین‌المللی فارابی، دانشگاه هنر تهران، ایران به انجام رسیده است. \* نویسنده مسئول: ۰۹۱۰۰۳۱۰۲۵۲، ghasemi.fzn@gmail.com

\* این پژوهش برگرفته از رساله دکتری «فرزانه قاسمی» با عنوان «مطالعه نقش آستانگی در معماری دوره پهلوی تهران بر مبنای مفهوم سکونت (مورد مطالعه: بناهای مسکونی)» است که به راهنمایی دکتر «سیدسعید سید

و همچنین، انعطاف‌پذیری و گوناگونی و پویایی - تنظیم شده‌اند. بررسی ویژگی‌های مذکور در هر بنا، متناسب با فرایند گذار از بیرون به درون در عرصه‌های سه‌گانه دسترسی‌ها و ورودی‌ها، فضاهای خارجی و نماها و فضاهای ورودی انجام شده است.

### مبانی نظری

چهارچوب نظری این پژوهش بر مبنای بررسی «آستانگی و تبیین جایگاه آن در مفهوم سکونت نزد نوربرگ شولتز» در راستای شناخت «ویژگی‌های آستانه‌ای فضاها در معماری» تنظیم شده است.

### • آستانگی و تبیین جایگاه آن در مفهوم سکونت نزد نوربرگ شولتز

آستانگی<sup>۱</sup> موقعیتی انتقالی به معنای «هم‌زمان درون دو وضعیت» بودن و آغازگاه رخداد، دوره یا موقعیتی جدید در زندگی است (Merriam-Webster, n.d., Cyril, 2000, 1633). این مفهوم، در مطالعات انسان‌شناسانه ون‌گنپ و ترنر، ناظر بر مرحله میانی آئین گذار، شامل جدایی از موقعیت پیشین، آستانگی و پیوستن به وضعی جدید در زندگی است که تغییر موقعیت و هویت آدمی را در سرتاسر زندگی او به دنبال دارد (Turner, 1966, 94). این رویکرد به آستانگی، در مفهوم سکونت نزد نوربرگ شولتز جایگاه اساسی دارد. شناخت و تبیین این جایگاه با هدف شناخت و مطالعه ویژگی‌های آستانگی فضا، گشودن چشم‌اندازی جدید به فهم و خلق فضای سکونت با رویکرد آستانگی است.

سکنی‌گزینی، از منظر نوربرگ شولتز، ناظر بر برقراری رابطه صمیمانه با محیطی مفروض بنابر نیاز ذاتی به «حراز هویت» و «تعیین موقعیت» از طریق آن است. در این راستا، انسان از طریق «سرگردانی» در راه رسیدن به مکانی مفروض برای «ماندن»، سکونت خود را به شیوه‌های چهارگانه طبیعی، تجمعی، عمومی و خصوصی (جدول ۱) رقم می‌زند (Norberg-Schulz, 1985, 13 & 14). این سازوکار حاکی از ماهیت «انتقالی» تجربه سکنی‌گزینی بر اساس رابطه متقابل سرگردانی و ماندن است (Wolford, 2008, 4). بنابراین، جایگاه اساسی آستانگی در سکونت، در چگونگی پاسخ‌دادن به فهم نقصان معنا در رابطه با محیط مشخص شده و نمود می‌یابد (Zimmerman, 2008, 22).

جایگاه آستانگی در سکونت، ناظر به جنبه‌های بنیادین هویت و موقعیت بر مبنای رابطه صمیمانه با محیط،

### مقدمه و بیان مسئله

آستانگی نزد صاحب‌نظران انسان‌شناسی<sup>۱</sup>، موقعیتی میانی در فرایند سه‌مرحله‌ای گذار است. از میان نظریه‌های سکونت، این موقعیت در مفهوم سکونت نزد نوربرگ شولتز، دارای جایگاه اساسی است. بر این اساس، انسان موجودیتی بینابین و آستانه‌ای در جهان دارد که بنا بر رابطه متقابل مؤلفه‌های سرگردانی و ماندن میان مراکز و راه‌ها، درون فضای آستانه‌ای شکل گرفته بر این اساس، به سکنی می‌رسد. در نتیجه، آستانگی، به دلیل ضرورت تأمین سکونتگاه برای افراد، به عنوان هدف اساسی معماری، جایگاهی اساسی در فرایند خلق فضاهای سکونت به ویژه مسکن دارد. از سوی دیگر، دوره پهلوی به عنوان دوره‌ای که به طور مشخص و سازماندهی شده، زمانه تجلی و نمود کالبدی روند تغییرات آستانگی در سیمای شهر و معماری است، انتخاب شده است. در این دوره، به عنوان بخش مهمی از دوره گذار، با ظهور پرستاب پدیده‌های جدیدی مواجه هستیم که به دنبال تغییر سبک زندگی، چهره شهر و معماری آن را تغییر داده‌اند. تهران در این دوره در مقام پایتخت و الگوی دیگر شهرها در معرض مستقیم این تحولات قرار گرفته و در مطالعات این حوزه دارای جایگاهی ویژه است. در این پژوهش، این سؤال مطرح است که جایگاه آستانگی، بر اساس ویژگی‌های فضایی حاصل از تبیین آستانگی در سکونت، در خانه‌های ویلایی شمال بخش مرکزی تهران چیست؟ بر این اساس، این پژوهش با هدف شناخت و بررسی جایگاه آستانگی در شرایط زمانی - مکانی یادشده جهت ارائه چهارچوب و نتایجی برای مطالعه و طراحی فضاهای معماری، به ویژه مسکن، با رویکرد آستانگی به سکونت، شکل گرفته است. همچنین، پیشینه این پژوهش متمرکز بر مفاهیم آستانگی، سکونت و مفهوم «در-خانه-بودن» و بناهای مسکونی تهران در دوره پهلوی تنظیم شده است. این پژوهش در بخش مبانی نظری شامل مطالعه آستانگی و تبیین جایگاه آن در مفهوم سکونت نزد نوربرگ شولتز جهت شناخت و بررسی ویژگی‌های آستانه‌ای فضاها در معماری است. پس از بررسی زمینه‌ها و عوامل تغییر آستانگی در دوره پهلوی، به شناخت و تحلیل جایگاه آستانگی در نمونه‌های مطالعه‌شده پرداخته شده است. تحلیل‌ها در این بخش مبتنی بر ویژگی‌های آستانگی است که از تبیین جایگاه آستانگی در مفهوم سکونت حاصل شده‌اند و در دو بخش اصلی شامل اصل سلسله‌مراتب، ماهیت انفضالی - اتصالی، گشودگی و نفوذپذیری

جدول ۱. چهار شیوه سکونت بر اساس نظریه سکونت نوربرگ شولتز. مأخذ: نگارندگان.

مصادق	نحوه تحقق	شیوه‌های سکونت
طبیعی	انتخاب بخشی از محیط برای زندگی بر اساس قابلیت‌های طبیعی آن	آبادی
تجمعی	گردآمدن به منظور دادوستدهای اقتصادی، فرهنگی و تبادل احساسات	فضای شهری
عمومی	توافق میان گروهی از انسان‌های دارای منافع و ارزش‌های مشترک	نهاد عمومی
خصوصی	پرداختن به ابعاد شخصیت فردی در جهانی از عوالم و خاطرات شخصی	مسکن

هستند. در این راستا، به دلیل ضرورت نفوذ بیرون به درون و کشیدگی درون به بیرون، گشودگی، ویژگی دیگر فضای آستانگی است (Norberg-Schulz, 1971, 25). این اصل از طریق نفوذپذیری و همزمان درونگرا و برونگر بودن فضا محقق می‌شود (مایس، ۱۳۹۲، ۱۳۴-۱۳۵).

علاوه بر این، با توجه به اینکه کارکرد انتقال در سکنی‌گزینی، تغییر و آگاهی به هویت و موقعیت است، ضرورت انعطاف‌پذیری فضای آستانگی، به عنوان قابلیت تغییر و سازگاری عناصر فضا، مطرح می‌شود. از سوی دیگر، امر سکونت که منوط به وجود فضاهایی چندگانه در شیوه‌های گوناگون سکونت است تا به مثابه آستانه، امکان آزمودن محیط راجهت سکنی‌گزینی فراهم کنند (Norberg-Schulz, 1985, 13-15). بنابراین، ویژگی دیگر فضای آستانگی، گوناگونی است که متناسب با بسترهای سازنده‌اش، تنوع و چندعملکردی بودن فضا را به دنبال دارد (بنتلی و همکاران، ۱۳۹۸، ۵۹-۷۳). ویژگی دیگر، بر اساس رابطه همواره متقابل و پویای سرگردانی و ماندن در امر سکونت و ضرورت گوناگونی، تحت عنوان پویایی تعریف می‌شود. بر این مبنای شکل‌گیری انواع روابط متقابل میان ساکنان و عناصر فضایی مختلف طی فرایند انتقال تأکیدی می‌شود.

ویژگی‌های مذکور، بنا بر شرایط «زمانی» و «مکانی»، چهار چوبی برای شناخت، بررسی و طراحی انواع فضاهای سکونت از دیدگاه آستانگی فراهم می‌آورند. بر همین اساس، این ویژگی‌ها، ضمن توجه به عوامل و زمینه‌های مؤثر بر تغییر آستانگی در تهران دوره پهلوی، در بخش مطالعات موردی مبنا قرار گرفته‌اند.

### پیشینه پژوهش

پیشینه پژوهش با توجه به مفاهیم «آستانگی»، «سکونت» و موقعیت «در خانه-بودن» و «بناهای مسکونی تهران دوره پهلوی»، بررسی و نتایج آن در جدول ۲ ارائه شده است. بر اساس آن، موارد بهره‌مندی این پژوهش از متون پیشین شامل موضوعات چيستی

به ترتیب دارای ابعاد گوناگون «اجتماعی»<sup>۲</sup>، «فضایی»<sup>۴</sup> و «از-آن-خود-سازی»<sup>۵</sup> است (Dovey, 1985, 46-48). این روابط، به ترتیب نمود رابطه متقابل «هویت»<sup>۶</sup> و «همگانیت»<sup>۷</sup> ساکنان در رابطه فرد و جمع و «گشودگی»<sup>۸</sup> و «بستگی»<sup>۹</sup> درون در رابطه با بیرون، در زمینه تعامل انسان و محیط هستند (Gauvain & Altman, 1982, 28). چگونگی برقراری این روابط در عرصه‌های مختلف هر مکان، بر اساس فرایند سه مرحله‌ای گذار، جایگاه آستانگی در آن را مشخص می‌کند. معیارهای این بررسی با توجه به ماهیت و کیفیات فرایند سکنی‌گزینی به شیوه‌های چهارگانه (طبیعی، اجتماعی، عمومی و خصوصی) تحت عنوان مجموعه ویژگی‌های آستانه‌ای فضاها قابل شناخت هستند.

### • ویژگی‌های آستانه‌ای فضاها در معماری بنا به تبیین جایگاه آستانگی در نظریه سکونت نوربرگ شولتز

با توجه به تعریف آستانگی به عنوان مرحله میانی از انواع موقعیت‌های فرایندی گذار و چگونگی شکل‌گیری موقعیت انتقال برای رسیدن به فضای سکونت نوربرگ شولتز، ویژگی‌های آستانه‌ای در امر سکونت به این صورت تبیین می‌شوند:

اساسی‌ترین ویژگی، بنا به ضرورت جابه‌جایی میان مراکز و راه‌ها مطابق با آئین گذار در فرایند جدایی از یک مرکز تا رسیدن به مرکزی دیگر برای سکنی‌گزینی تعریف می‌شود. بر این مبنای فضای آستانگی سلسله‌مراتبی است، کیفیتی که شکل‌گیری درجاتی از عرصه‌های مختلف جهت‌دار را در طول فرایند های از-آن-خود-سازی به دنبال دارد (علی‌نای مطلق و همکاران، ۱۳۹۸، ۵۰ و ۵۵). از سوی دیگر، هر فضای قابل سکونت، به عنوان یک مرکز متمایز و دارای خروجی/ورودی، از طریق راه، در پیوند با فضاهای همجوار قرار می‌گیرد و آستانه در آن جایی در میانه هویت فردی و جمعی ساکنان است (Norberg-Schulz, 1985, 13-23). بنابراین، فضای آستانگی ماهیتی انفصالی-اتصال‌ی دارد که عوامل سازنده آن همچون مفصل پیونددهنده درون و بیرون

جدول ۲. بررسی اجمالی متون پیشینه. مأخذ: نگارندگان.

عنوان و نویسندگان	محتوا	روش <sup>۱</sup>
«بازخوانی مفهوم آستانگی در معماری و تبیین مراتب معنایی آن بر اساس ریشه‌شناسی واژه و آرای دانشمندان حوزه معماری» (علی‌نای مطلق و همکاران، ۱۳۹۸).	ریشه‌شناسی مفاهیم و مراتب آستانگی	استدلال منطقی
«فضای آستانه‌ای در معماری: آستانه و گذار» (Zimmerman, 2008).	آستانگی، پرسشگری و انعطاف‌پذیری	
«سرگردانی در سکونت» (Wolford, 2008).	مفهوم سکونت و جایگاه تغییر، یادگیری و تکنولوژی در آن	
«خانه و بی‌خانمانی» (Dovey, 1985).	نظام‌ها و روابط متقابل شکل‌دهنده به خانه	توصیفی-تحلیلی
«تحلیل بینافرهنگی خانه‌ها» (Gauvain & Altman, 1982).	تعامل فرد و جمع و بیرون و درون در خانه‌ها؛ مقایسه تطبیقی آن‌ها	
«سیر تحول معماری مسکن تهران در دوره پهلوی» (جانی‌پور، ۱۳۷۹).	گونه‌های مختلف مسکن در دوران تحول و زمینه‌های شکل‌گیری آن‌ها	توصیفی-تحلیلی، مطالعات
«بررسی ویژگی‌های معماری ورودی خانه‌های تهران (اواخر دوره قاجار تا پایان دوره پهلوی اول)» (بیزدیان، ۱۳۹۰).	مفهوم خانه و ورودی؛ مطالعه ورودی نمونه‌های موردی	کتابخانه‌ای و مشاهدات میدانی



فضای توسعه به دلیل آب‌وهوای خوش و باغات بیشتر و ارتباط با بخش‌های شمالی شهر اشاره کرد. در لایه بعدی، طی مشاهده میدانی، ظاهر بیرونی بناها را با توجه به زمینه‌ها، عوامل و مصادیق تغییر آستانگی در دوره پهلوی، از جهت چگونگی نمود تغییر رابطه درون و بیرون (به‌خصوص در بخش ورودی) بررسی و انتخاب شده است. در لایه سوم، بنا به امکان دسترس‌پذیری، تنوع و نحوه ارتباطات فضاهای داخلی، بناهای مذکور از جهت قابلیت نمود روابط متقابل مفاهیم شکل‌دهنده به سکونت در چهارچوب ویژگی‌های آستانگی بررسی شده‌اند. در نهایت، با توجه به اندازه محدوده پژوهش هفت بنا انتخاب و مطالعه و تحلیل شده و نتیجه‌گیری پژوهش بر آنها استوار شده است.

### بحث و یافته‌ها

#### • زمینه‌ها، عوامل و مصادیق تغییر آستانگی در معماری دوره پهلوی

با آغاز دوره پهلوی در ایران، جامعه در معرض تغییراتی اساسی در ابعاد سیاسی - نظامی، اداری، فرهنگی و آموزشی قرار گرفت. در این راستا، فضاهای شهری و معماری با نمود این تغییرات بیانگر رویکردی جدید به شیوه سکونت شدند که در درجه اول در تهران به‌عنوان پایتخت عینیت یافت (رجبی، ۱۳۵۵، ۱۰۹). در واقع به دلیل اقداماتی چون تأسیس شهرداری، تخریب دروازه‌ها، تعریض خیابان‌های قدیمی و خیابان‌کشی‌های جدید شطرنجی و تغییر شکل زمین و مرزبندی کاربری‌ها، آستانگی تغییر یافت (حبیبی و همکاران، ۱۳۸۹، ۹۶). علاوه بر این، افزایش سرانه معابر تحت مالکیت دولت، صدور قوانین جدید

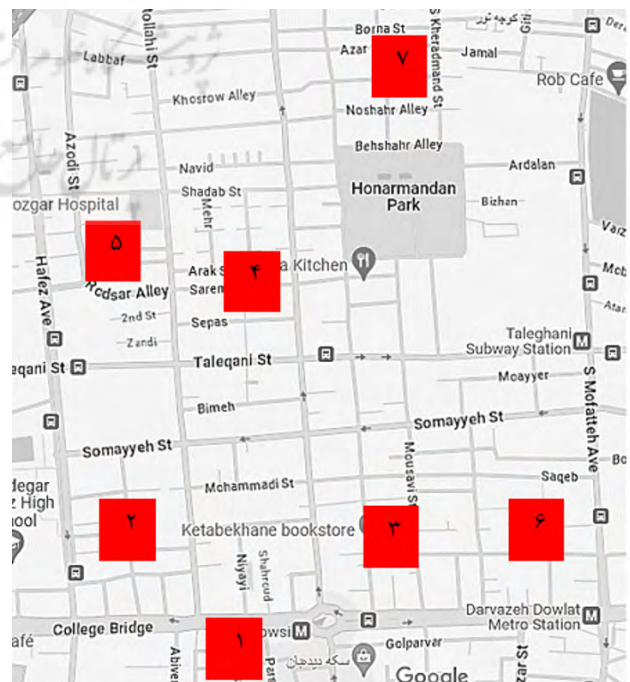
آستانگی، آستانه در معماری و مفهوم خانه و سکونت با تمرکز بر آرای نوربرگ شولتز است. علاوه بر این، تحولات مسکن با تمرکز بر خانه‌های ویلایی در بازه زمانی و مکانی پژوهش نیز مدنظر قرار گرفته است. این پژوهش به دلیل بررسی جایگاه آستانگی و عوامل مؤثر بر آن در عرصه‌های سه‌گانه گذار در خانه‌های ویلایی دوره پهلوی در محدوده شمالی بخش مرکزی تهران، با متون مذکور متمایز و متفاوت است. ضمن اینکه ویژگی‌های آستانگی در انواع فضاهای معماری حاصل از واکاوی مفهوم سکونت و کیفیات فرایند سکنی‌گزینی و تغییرات آستانگی در معماری شهر تهران در دوره پهلوی مبنا قرار گرفته‌اند.

### روش پژوهش

این پژوهش از نوع توصیفی - تحلیلی است و با روش موردپژوهشی متکی بر مطالعات اسنادی، مشاهدات میدانی، مستندنگاری و تحلیل و مقایسه تطبیقی یافته‌ها انجام شده است. دلایل انتخاب نمونه‌ها را می‌توان در سه لایه بررسی کرد. در لایه اول، محدوده انتخاب شده، شمال بخش مرکزی تهران (حدفاصل دروازه دولت از شرق تا خیابان حافظ در غرب و محدوده خیابان انقلاب در جنوب تا قبل از خیابان کریمخان در شمال) (تصاویر ۱ و ۲) است. این انتخاب به این دلیل صورت گرفته که جهت اصلی رشد درونی و برونی شهر در این دوره به سوی شمال بوده است. محدوده دارالخلافه ناصری تا پهلوی اول با تغییرات طرح توسعه دارالخلافه و تغییرات درون - برون شهری (حمیدی و همکاران، ۱۳۷۶) مواجه شده که در مقیاس خانه‌های ویلایی نیز ظهور پیدا کرده است. از دلایل تغییرات در این محدوده می‌توان به وجود



تصویر ۲. محدوده تحقیق. مأخذ: نگارندگان.



تصویر ۱. جانمایی بناهای مطالعه‌شده در محدوده تحقیق. مأخذ: نگارندگان.

تعریف شده است. این درحالی است که ورودی غربی از حیاط دسترسی مستقیم تری با فضاهای جمعی همکف دارند. به این ترتیب، مراتب خصوصی یا عمومی بودن فضاهای داخلی متناسب با درجه خصوصی و عمومی تعریف شده‌اند (تصویر ۶). همچنین، ارتباط اتاق‌ها با فضاهای تقسیم به درگاه تقلیل یافته که موجب یکبارگی در لحظه ورود شده و تشابه این درها نیز خوانایی فضا را کاهش داده است.

ماهیت انفصالی - اتصالی: در تعریف ارتباط بین ورودی‌ها و گذر، به دلیل عدم وجود پیش‌فضا بین گذر و داخل بنا، جنبه انفصال از بیرون بر اتصال با آن غلبه دارد و ورود یکباره اتفاق می‌افتد. بر همین اساس، در بخش حیاط، حریم وابسته به بسته‌بودن در است. همچنین، نحوه ارتباط بنا و

جدول ۳. بناهای مطالعه شده در پژوهش. مأخذ: نگارندگان.

دوره	بنا	موقعیت
دوره اول	خانه شماره ۱	خیابان انقلاب، کوچه کندوان
	خانه شماره ۲	خیابان حافظ، کوچه شیرین
	خانه شماره ۳	خیابان انقلاب، خیابان ایرانشهر
دوره دوم	خانه شماره ۴	خیابان ویلا، کوچه اراک
	خانه شماره ۵	خیابان ویلا، کوچه ششم
	خانه شماره ۶	خیابان انقلاب، کوچه کریمی
	خانه شماره ۷	خیابان ایرانشهر، کوچه حمیله شیخی



تصویر ۳. ورودی غربی خانه شماره ۱. مأخذ: آرشو نگارندگان.



تصویر ۴. مراتب گذار از بیرون به درون از غرب در خانه شماره ۱. مأخذ: نگارندگان.



تصویر ۵. مراتب گذار از بیرون به درون از جنوب در خانه شماره ۱. مأخذ: نگارندگان.

ساخت‌وساز، تخصصی شدن معماری و تغییر شیوه آموزش آن، زمینه‌ساز تغییر آستانگی بودند (جانی‌پور، ۱۳۷۹، ۲۳۱). در این راستا، با تغییر رابطه درون-بیرون تحت عواملی چون تغییر سلسله‌مراتب ورود به بنا (یزدیان، ۱۳۹۰، ۱۵۵)، کاهش تنوع در جانمایی آن، تغییر روابط فضاهای داخلی، تغییر مفهوم فضاهای باز و نیمه‌باز، بازشوها و نما، آستانگی در معماری تغییر یافت (قاسمی و همکاران، ۲۰۱۴، ۷). با توجه به این تغییرات به بررسی جایگاه آستانگی در خانه‌های ویلایی تهران پرداخته خواهد شد.

### • جایگاه آستانگی در معماری خانه‌های ویلایی تهران دوره پهلوی

بررسی انجام گرفته در خصوص جایگاه آستانگی در این پژوهش، متمرکز بر مجموعه بناهای زیر بوده که مشخصات آنها در جدول ۳ ارائه شده است. در ادامه، جایگاه آستانگی بر اساس ویژگی‌های آستانگی فضاها در معماری در عرصه‌های سه‌گانه خانه‌های مطالعه و بررسی شده است که این عرصه‌های مبتنی بر فرایند گذار شامل عرصه اولیه (ورودی‌ها و دسترسی‌ها به بنا، فضاهای خارجی و نماها)؛ عرصه میانی (ورودی به فضاهای داخلی) و عرصه پیوستگی (فضاهای داخلی) هستند.

### • بررسی ویژگی‌های آستانگی خانه‌های مطالعه شده در دوره پهلوی اول (۱۳۲۰-۱۳۰۴) و دوم (۱۳۵۷-۱۳۲۰)

در این بخش، ویژگی‌های آستانگی نمونه خانه‌های ویلایی در تهران در دو بخش اصلی تحلیل و بررسی شده که بخش اول شامل سلسله‌مراتب، ماهیت انفصالی-اتصالی، گشودگی و نفوذپذیری و بخش دوم شامل انعطاف‌پذیری و گوناگونی و پویایی است.

- سلسله‌مراتب، ماهیت انفصالی - اتصالی، گشودگی و

### نفوذپذیری

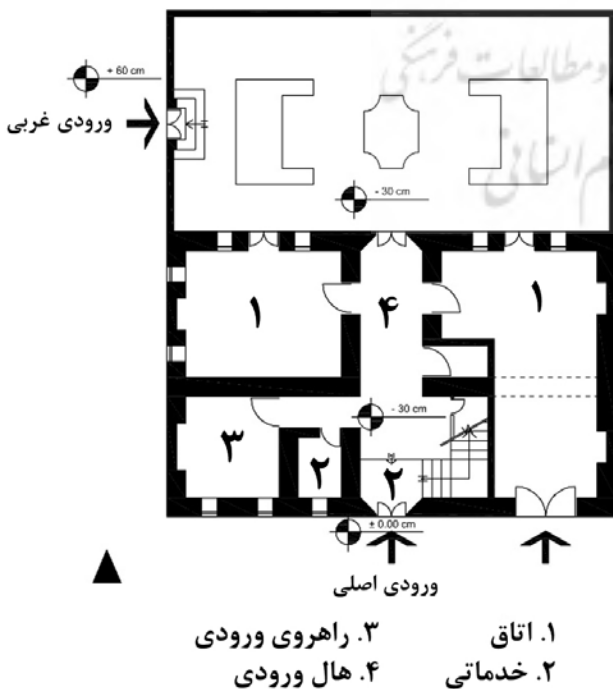
الف: دوره پهلوی اول، خانه شماره ۱  
سلسله‌مراتب: در این بنا فضای بین درون با بیرون ورودی عمومی/غربی درگاه، دارای ارتفاع و آجرچینی متفاوت با جداره است. ورود به حیاط با غلبه یکبارگی و گشودگی بر بستگی اتفاق می‌افتد. نماها در ارتباط مستقیم با معبر شکل گرفته و با گشودگی به بیرون از طریق انواع بازشوها، شکل جدیدی از رابطه بنا و خارج آن را به نمایش می‌گذارند (تصویر ۳). به این ترتیب، روابط متقابل هویت و همگانیت نسبت به خانه‌های دارای پلان مرکزی در گذشته تغییر یافته است. در ورودی به داخل از حیاط، فضای گذاری سلسله‌مراتبی از حیاط، درگاه ورودی به داخل و سالن ورودی تعریف شده است (تصویر ۴). از سوی دیگر، از سمت جنوب، هشتی ورودی در راستای سالن ورودی در ترکیب با راه‌پله بالا و راهروی خدماتی، گذار به فضاهای داخلی را تأمین می‌کند (تصویر ۵). به لحاظ پیوستگی، دسترسی به فضاهای شخصی، به‌طور مستقیم‌تر از طریق ورودی جنوبی در ارتباط با راهرو خدماتی و راه‌پله طبقه خصوصی تر بالا



قابلیت بسط و ترکیب با یکدیگر (از طریق درهای شیشه‌خور و قاب میانی) گشوده و نفوذپذیرند، اما به‌طور کلی اشراف از بازشوها در محدوده مجاور گذرها گشودگی را از جهات مختلف با محدودیت مواجه کرده است (تصویر ۳ و ۶).

#### ب. دوره پهلوی اول، خانه شماره ۲

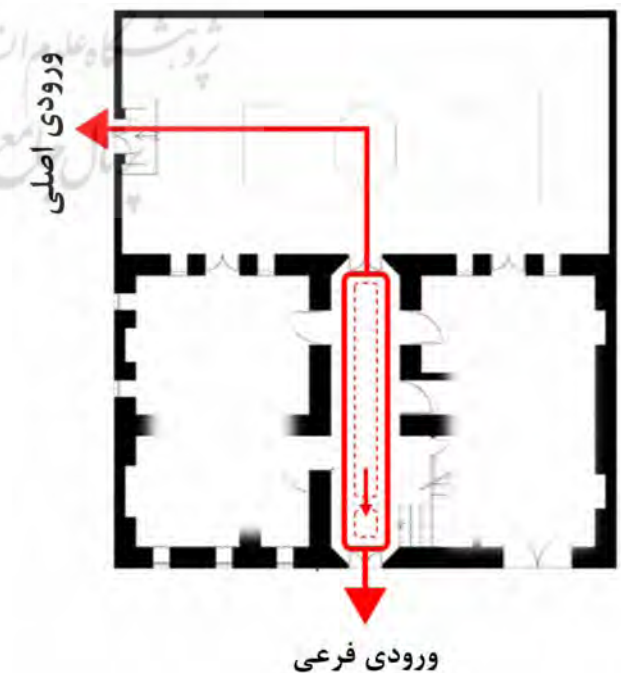
سلسله‌مراتب: آستانه در سلسله‌مراتب ورود به بنا، به درگاه تقلیل یافته است و بدین جهت با ورود یکباره به حیاط، با غلبه گشودگی بر بستگی به لحاظ روابط متقابل فضایی مواجه است. همچنین نمایان بودن بخش‌های بالایی نما از بیرون می‌تواند به‌عنوان نمودی از روابط متقابل هویت و همگانیت عمل کند (تصویر ۸). در لایه درونی‌تر، در بخش ورودی به داخل به پاگردی کوچک بسنده شده که فعالیت‌های ورود و خروج به طبقه اول و راه‌پله طبقه بالا را در محدوده درگاه دچار اختلاط می‌کند (تصویر ۹). علاوه‌براین، این فضا قابلیت مبلمان شدن چندانی نداشته و به‌عنوان آستانه ورود و خروج به فضاهای داخلی نقش مؤثری در آمادگی کاربر ایفا نمی‌کند. به‌این ترتیب، جایگاه فضا در شکل‌گیری روابط متقابل اجتماعی میان درون بیرون تقلیل یافته است. در عرصه پیوستگی، سلسله‌مراتب با ایجاد فضای تقسیم به وجود آمده است که تفاوت موقعیت فضاهای خدماتی در راهروی شمالی، راه‌پله طبقات و قلمروی جمعی خانه را هم‌جوار ورودی به طبقه همکف مشخص می‌کند. ازسوی دیگر، تقلیل ورودی اتاق‌ها به درگاه موجب یکبارگی هنگام ورود شده است (تصویر ۱۰).



تصویر ۷. پلان همکف خانه شماره ۱ با مقیاس ۱/۲۵۰. مأخذ: نگارندگان.

همجواری موجب شده در محدوده بازشوها و تراس، گشودگی بر بستگی غلبه داشته باشد. در عرصه میانی، فضای بینابین، ارتباط پیوسته دو ورودی متمایز غربی و جنوبی را با توجه به ماهیت انفصالی-اتصالی سالن ورودی برقرار کرده است و مهم‌ترین عرصه بنا را از لحاظ ماهیت انفصالی-اتصالی شکل داده است (تصویر ۷). در ارتباط با جزءفضاهای داخلی، تنوع کارکردی عرصه‌ها، بنا به سلسله‌مراتب تعریف‌شده، تمایز و پیوند لازم برای سکونت خصوصی را فراهم می‌کنند. دراین میان، کم‌توجهی به اتصال و انفصال در ورود به اتاق‌ها، نقش آستانگی را در تجسم مفهوم خلوت متناسب با فضاهای فردی محدود کرده است.

گشودگی و نفوذپذیری: در عرصه اولیه، گشودگی ایجادشده از طریق درگاه منتهی به پله‌های ورودی و هشتی در بخش ورودی غربی و جنوبی، به‌دلیل در معرض دید قرار دادن کلیت داخلی در لحظه ورود موجب غلبه بیرون بر درون شده است (تصویر ۶). ازسوی دیگر، کلیت بنا به‌دلیل تعریف دو ورودی اصلی/عمومی و فرعی/خصوصی در ارتباط با دو گذر فرعی، نفوذپذیر است. در محدوده حیاط و نما، به جهت ارتباط بی‌واسطه با بیرون، ناشی از نحوه جانمایی بنا در زمین، غلبه گشودگی بر بستگی و اشراف رخ داد است (تصویر ۳). در عرصه ورودی به فضاهای داخلی، بالاترین میزان گشودگی و نفوذپذیری در طراحی بنا، به‌واسطه ماهیت انفصالی-اتصالی حال ورودی بین دو ورودی (تصویر ۷) ایجاد شده و درون و بیرون در پیوند با هم فضا را جدا از بیرون اما گشوده به آن شکل داده‌اند. در عرصه نهایی، اگرچه همه اتاق‌ها به جهت



تصویر ۶. ماهیت انفصالی-اتصالی در خانه شماره ۱. مأخذ: نگارندگان.

**ماهیت انفصالی - اتصالی:** در ورودی به بنا، بر اساس سلسله مراتب تعریف شده، انفصال بر اتصال غلبه دارد. نمای جنوبی با تزیینات خود بر تقویت بعد اجتماعی سکونت در پیوند درون و بیرون مؤثر است. انفصال - اتصال در ورودی به داخل، پس از طی حیاط به عنوان عامل پیوند داخل و خارج، با تقویت آگاهی ادراکی به وسیله تغییر نور، دما، سطح کف و گشودگی حاصل از بازشوهای فضاهای جانبی به وجود آمده است. همچنین، در عرصه پیوستگی، هال ورودی از طریق راه پله در جهت انفصال - اتصال کلیت بنا عمل می کنند (تصویر ۱۰).

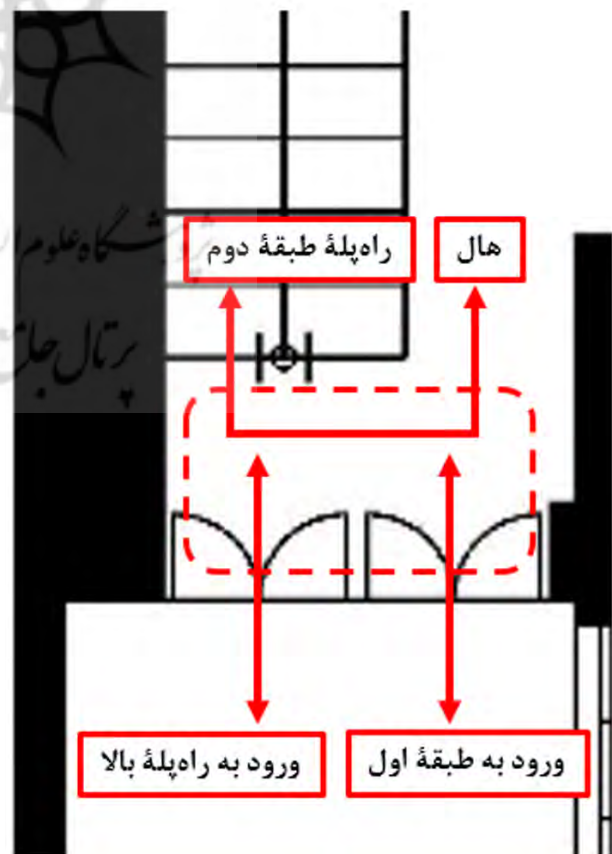
**گشودگی و نفوذپذیری:** در عرصه اولیه، غلبه بیرون بر درون و اشراف حاصل از آن مشهود است. حیاط به جهت عمق و جانمایی ورودی در گوشه جنوب غربی آن، نمود گشودگی و بستگی نسبت به ورودی به بنا است. در عرصه ورودی به فضاهای داخلی در طبقه همکف، در صورت بازبودن در ورودی به بنا، گشودگی فضا در معرض غلبه بیرون، است (تصویر ۱۰). از سوی دیگر، بازشوهای فضاهای مجاور آن، با تأمین نور و دید مناسب حریم داخلی، موجب گشودگی شده اند. در عرصه فضاهای داخلی قابلیت ترکیب و بسط فضایی اتاقها موجب گشودگی و نفوذپذیری شده است (تصویر ۱۱)، هر چند این فضاها از جانب بازشوهای جنوبی در معرض اشراف هستند.

### ج. دوره پهلوی اول، خانه شماره ۳

**سلسله مراتب:** دسترسی به بنا پس از طی مسیر در خیابان اصلی، فرعی و پیاده رو ممکن می شود. در این عرصه ورود به درون با گذر از درگاه متمایز شده با دیوار بنا از طریق تغییر ارتفاع آغاز و با ورود به حیاط ادامه می یابد (بخش دیگر (اصلی) حیاط در جنوب بنا قرار گرفته و توسط پله ها از این عرصه متمایز شده است). در همین راستا، در عرصه میانی، ورودی اصلی (عمومی) به فضاهای داخلی با گذر از پله ها و درگاه متصل به راهرو شکل گرفته است (تصویر ۱۲). به این ترتیب، این ورودی با تأمین فضای آمادگی و درنگ و حضور اشیا و عناصری که نمود هویت جمعی ساکنان است، به شکل گیری ابعاد فضایی و اجتماعی در راستای فرایند های از-آن-خود-سازی فضای سکونت یاری می رساند. در لایه بعدی، دیگر درهای ورودی و راه پله طبقات متناسب با درجه خصوصی شدن فضا، در مجاورت راهرو قرار گرفته اند. آخرین مرحله از مراتب ورود به درون در این طبقه مربوط به فضاهای خدماتی است. این بخش در مجاورت ورودی فرعی (خصوصی) به داخل قرار گرفته است و دسترسی مستقیم ساکنان به لایه خصوصی بنا را فراهم می کند (تصویر ۱۳).

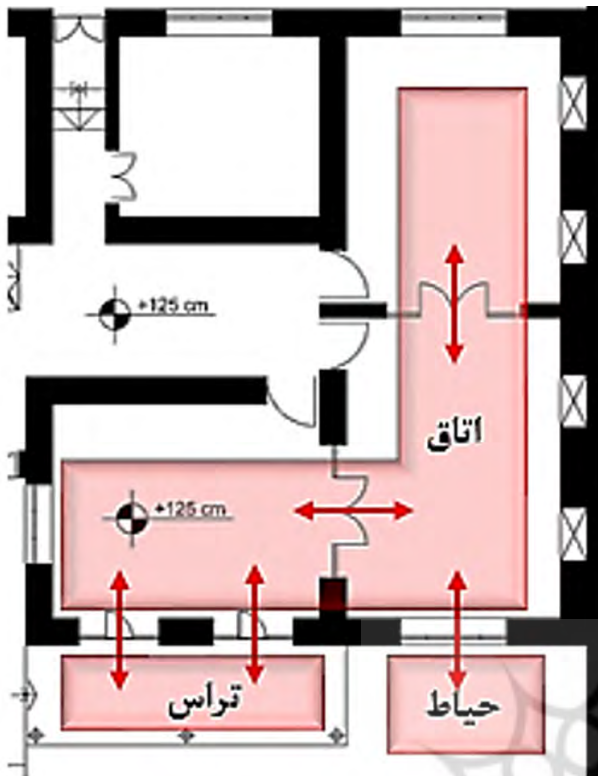


تصویر ۸. تصویر کلی از خانه شماره ۲. مأخذ: آرشیو نگارندگان.



تصویر ۹. اختلاط فعالیتها در پاگرد ورودی خانه شماره دو. مأخذ: نگارندگان.

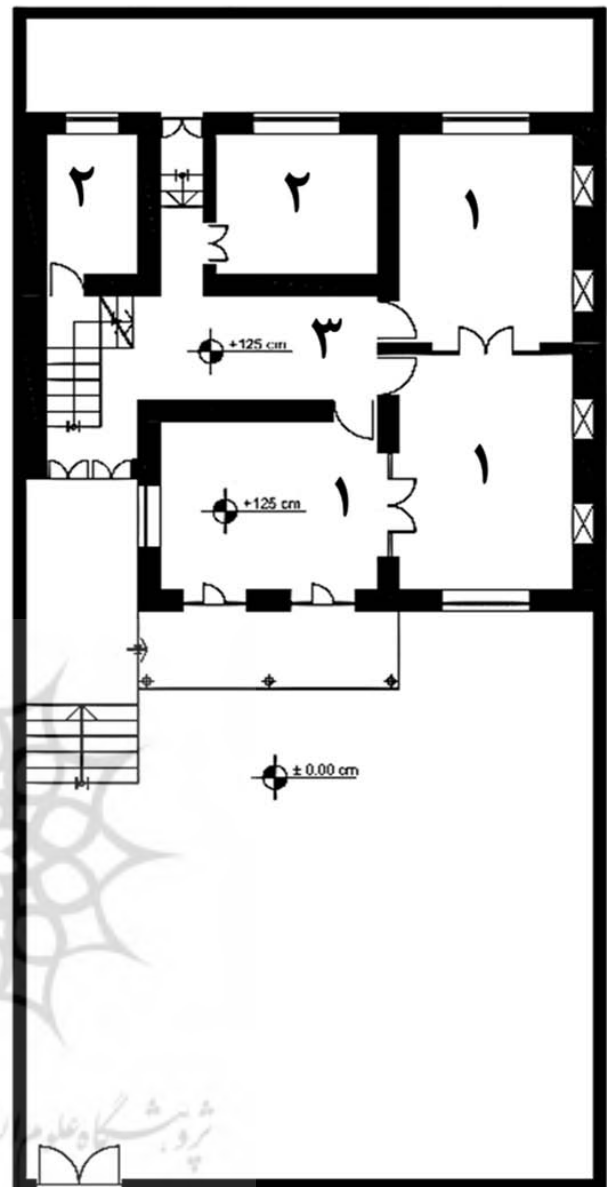




تصویر ۱۱. ترکیب و بسط فضایی در خانه شماره ۲. مأخذ: نگارندگان.



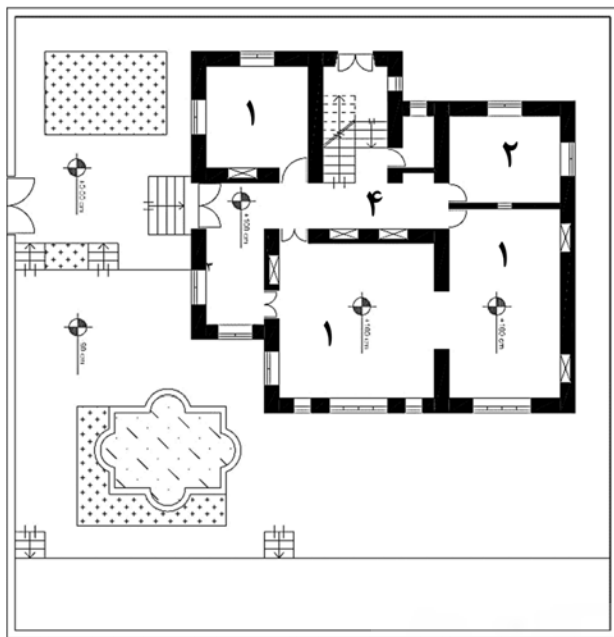
تصویر ۱۲. ورودی به داخل در خانه شماره ۳. مأخذ: آرشیو نگارندگان.

۱. اتاق  
۲. خدماتی  
۳. هال ورودی

تصویر ۱۰. پلان همکف خانه شماره ۲ با مقیاس ۱/۲۵۰. مأخذ: نگارندگان.

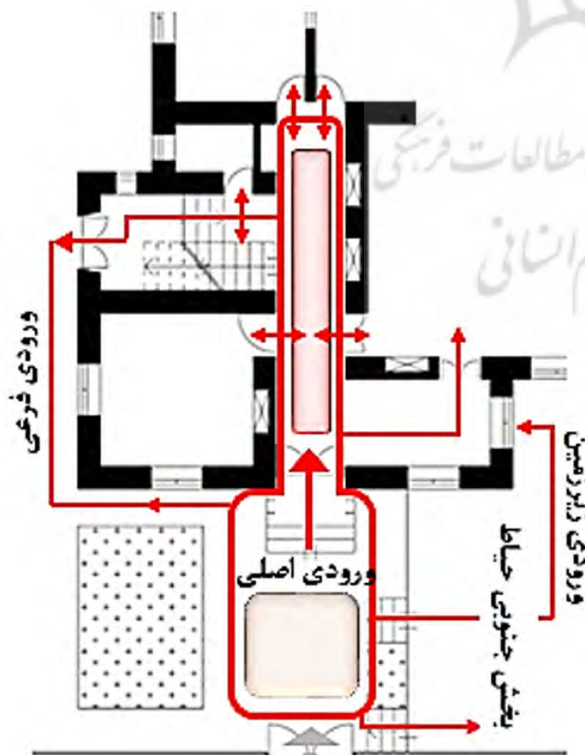
ماهیت انفصالی - اتصالی: در عرصه اولیه، به دلیل تقلیل پیش‌ورودی به درگاه، انفصال بر اتصال غلبه دارد. در ادامه، اختصاص محدوده مشخصی از حیاط به فضای بینابین ورودی به بنا و ورودی به فضاهای داخلی (و ورودی به زیرزمین و داخل، به ترتیب در بخش جنوبی و شمالی حیاط) ماهیت انفصالی - اتصالی بنا آشکار و با عبور از پله‌ها و ورود به راهرو بارز می‌شود. در واقع، این راهرو به عنوان مفصل انواع جزء‌فضاها، کلیت داخلی را از دو سو به کلیت خارجی (حیاط) پیوند داده است (تصاویر ۱۳ و ۱۴).





۱. اتاق خدماتی  
۲. راهروی ورودی  
۳. پیش‌ورودی  
۴. راهروی ورودی

تصویر ۱۳. پلان همکف خانه شماره ۳ با مقیاس ۱/۲۵۰. مأخذ: نگارندگان.



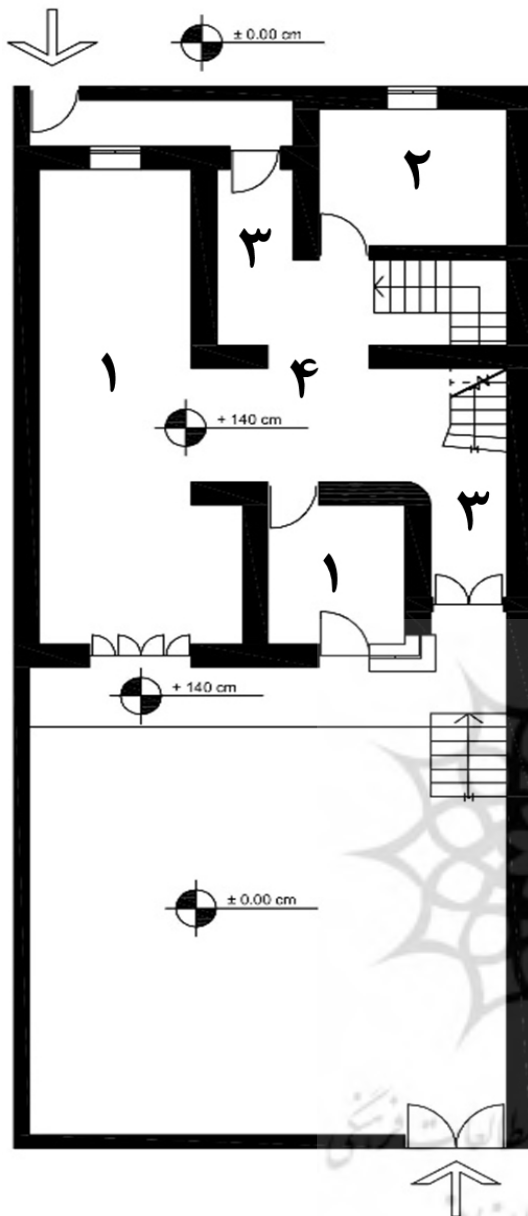
تصویر ۱۴. انفصال-اتصال در خانه شماره ۳. مأخذ: نگارندگان.

گشودگی و نفوذپذیری: در عرصه اولیه و میانی، به دلیل تعریف ورودی به بنا و ورودی به فضاهای داخلی در راستای هم، نمود بعد فضایی/گشودگی- بستگی مشروط به بسته بودن درها است (تصویر ۱۵). از سوی دیگر، تعریف دو ورودی اصلی و فرعی برای فضاهای داخلی نفوذپذیری بنا را افزایش داده و در عرصه فضاهای داخلی، همسو با گشودگی و نفوذپذیری حاصل از ماهیت انفصالی-اتصال راهروی ورودی، تمامی جزءفضاها از طریق بازشو به حیاط گشوده (تصویر ۱۳)، اما به طور کلی، در معرض اشراف‌اند.

د: دوره پهلوی دوم، خانه شماره ۴

سلسله مراتب: در عرصه اولیه، در ورودی جنوبی، با در نظر گرفتن پیاده‌رو و درگاه به عنوان عامل بینابین حیاط و گذر، ورود یکباره به حیاط در راستای ورودی به فضاهای داخلی اتفاق می‌افتد. در ورودی شمالی، آستانگی از طریق گذار از کوچه بن‌بست و درگاه به حیاط خلوت شمالی تعریف شده است (تصاویر ۱۶ و ۱۷). فضای حیاط جنوبی عرصه بندی شده است. بخش بالایی نماها از بیرون هویدا هستند و در راستای برقراری روابط متقابل هویت و همگانی عمل می‌کنند (تصویر ۱۸). در فضای ورودی جنوبی، تعریف گذار در راستای ورودی بنا به وسیله پله و پاگرد، در پیوند با تراس سراسری، شکل گرفته است. این گذار از طریق راهروی دربردارنده راه پله طبقات و منتهی به فضای تقسیم ادامه می‌یابد. این فضای تقسیم از سمت شمال با راهرو منتهی به حیاط خلوت در بخش ورودی شمالی مرتبط است. این سناریوی حرکتی در مجموعه فضاهای مذکور، به عنوان آستانه، ورود به داخل را از هر دو جهت معنی دار کرده است. در عرصه فضاهای داخلی، فضای تقسیم همکف و راه پله مرتبط با آن تا راهروی بالا، مراتب ورود را تعریف می‌کنند. ارتباط فضای تقسیم با جزءفضاها به درگاه تقلیل یافته و بنابراین ورود به آنها یکباره است (تصویر ۱۶).

ماهیت انفصالی-اتصال: در ورودی‌ها، در بخش ارتباط با بیرون، بنابر سلسله مراتب تعریف شده، به انفصال-اتصال کم توجهی شده است. در بخش درونی، حیاط جنوبی و حیاط خلوت شمالی به عنوان مفصل عمل کرده و با فرم، مفاهیم و عناصر دربردارنده، انتقال آرام و هماهنگی را ایجاد کرده‌اند. در بخش ورودی به فضاهای داخلی، مهم‌ترین نکته مربوط به فضای مرکزی بنا، یعنی فضای تقسیم همکف است که به مثابه مفصل، دو ورودی متمایز را به هم پیوند داده (تصویر ۱۷) و در ترکیب با راه پله، سایر جزءفضاها را در اطراف خود به تعادل و هماهنگی رسانده است. از طرف دیگر، کم توجهی به انفصال-اتصال به دلیل تقلیل ورودی اتاق‌ها به درگاه، موجب یکبارگی و



۳. راهروی ورودی  
۴. هال ورودی

۱. اتاق  
۲. خدماتی

تصویر ۱۶. پلان همکف خانه شماره ۴ با مقیاس ۱/۲۵۰. مأخذ: نگارندگان.

کیفیت گشودگی زیاد و این محدوده در معرض اشراق است و کاربرد آنها، همچنین فضاهای داخلی همجواریشان را با محدودیت مواجه کرده است. فضای ورودی به داخل، با توجه به سلسله‌مراتب و ماهیت انفضالی - اتصالی، در جایگاه برقرارکننده رابطه متقابل درون و بیرون ظاهر شده و نمود هویت و همگانیت است. گشودگی عرصه نهایی با مرکزیت گشوده و نفوذپذیر هال ورودی تعریف می‌شود. علاوه بر این، فضاهای نیمه‌باز نیز، با نقش مفصلی خود بین اتاق‌ها، بر نفوذپذیری فضا افزوده‌اند (تصاویر ۱۷ و ۱۹).



تصویر ۱۵. ارتباط دو ورودی در خانه شماره ۳. مأخذ: آرشیو نگارندگان.

وابستگی حریم داخلی به بسته‌بودن در شده است. لازم به ذکر است، فضاهای نیمه‌باز در این بنا برای اتاق‌های مجاور خود نقش مفصل دارد (تصویر ۱۹).  
گشودگی و نفوذپذیری: در عرصه اولیه، تعریف دو ورودی موجب نفوذپذیری بنا شده است. ازسوی دیگر، در ورودی جنوبی، گشودگی بنا تحت تأثیر غلبه انفصال بر اتصال است. درحالی‌که در ورودی شمالی، با توجه به سلسله‌مراتب، گشودگی - بستگی برقرار شده است. در محدوده‌های حیاط و نما به دلیل نحوه جانمایی بنا در زمین و ارتفاع دیوارها،



ه: دوره پهلوی دوم، خانه شماره ۵

سلسله مراتب: عرصه جدایی در دسترسی به این بنا شامل گذرهای درجه بندی شده است که زمینه انتقال را فراهم می کند. در بخش ورودی به حیاط، فضای انتقال به درگاه تقلیل یافته و مواجه یکباره با درون را موجب می شود. حیاط عرصه بندی شده و به ترتیب شامل گذرگاه پیاده تا داخل، پارکینگ، استخر و باغچه ها در جنوب و همچنین، گذرگاه های شرقی و غربی و حیاط خلوت و دسترسی ها به فضاهای خدماتی، بهداشتی، تأسیساتی زیرزمین در شمال است (تصویر ۲۰). بخش بالایی نمای جنوبی از کوچه قابل رؤیت است و نقش مهمی در نمود بعد اجتماعی سکونت ایفا می کند. فضای ورودی به داخل در جنوب، فضای انتقال میان درگاه حیاط تا قاب عقب نشسته درگاه سالن ورودی است (تصاویر ۲۰ و ۲۱). این فضا، بدون مانعی بصری، در راستای در ورودی به حیاط قرار داشته و امتداد فرایند پیوسته رسیدن به درون است. از سوی دیگر، در شمال، ورود به بنا از طریق راهرو اتفاق می افتد. در عرصه نهایی، فضاهای داخلی گذار به وسیله سالن ورودی همکف و بالا و درجه بندی فضاهای مجاور به وسیله اندازه ورودی ها، راهروها و راه پله ها تعریف شده است. مجموعه مراتب فوق، در لایه های سه گانه بیرون تا رسیدن به درون، فضای انتقال را شکل می دهند (تصویر ۲۰).

ماهیت انفصالی - اتصالی: در بخش ورودی به حیاط، به دلیل عدم تعریف پیش ورودی، انفصال بر اتصال غلبه دارد. حیاط عامل پیوند داخل و خارج در کلیت بنا قلمداد می شود. بخش های بالایی نما با نمود بعد فضایی و اجتماعی در خارج از بنا، عامل پیوند بنا و همجواری است (تصویر ۲۱). در عرصه میانی، فضای متمایز و سیال سالن ورودی به عنوان مفصل عمل کرده و دو ورودی جنوبی و شمالی را در ترکیب با راهروها به هم پیوند داده و موجب انفصال - اتصال عرصه های جمعی / عمومی و فردی / خصوصی شده است (تصویر ۲۲).

گشودگی و نفوذپذیری: در عرصه اولیه، در بخش ورودی ها، گشودگی فضایی به درگاه تقلیل یافته است. حیاط عامل گشودگی انواع فضاهای داخلی اما در معرض اشراف است. در بخش نماها، بازشوها که فضایی مناسب برای گردآوری اشیا و حضور انسان در میانه فراهم کرده اند، در ترکیب با تراس و بام، کاربرد متناسب با عملکرد دارند و موجب گشودگی و نفوذپذیری فضاهای بسته داخلی به یکدیگر و حیاط هستند (تصویر ۲۱). در عرصه ورودی به فضاهای داخلی، گشودگی و نفوذپذیری از طریق هال ورودی بر اساس نحوه جانمایی و ارتباط درجه بندی شده با عرصه های مختلف (از طریق اندازه ورودی و راهروها) برقرار است. سازوکار مذکور گشودگی کلی عرصه فضاهای داخلی را فراهم کرده که البته بنا به نحوه گشودگی عرصه اولیه تحت تأثیر اشراف است (تصویر ۲۰).



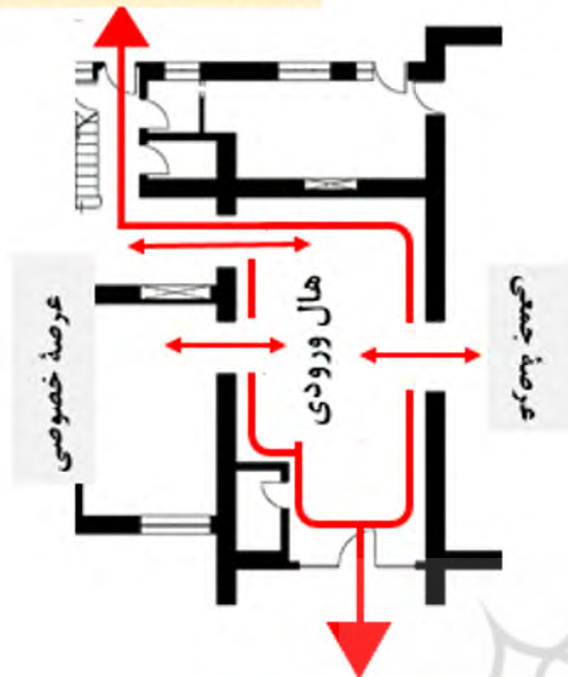
تصویر ۱۷. مراتب گذار از بیرون به درون و انفصال - اتصال در خانه شماره ۴. مأخذ: نگارندگان.



تصویر ۱۸. دید کلی به خانه شماره ۴ از ورودی. مأخذ: آرشيو نگارندگان.



## ورود به داخل از شمال



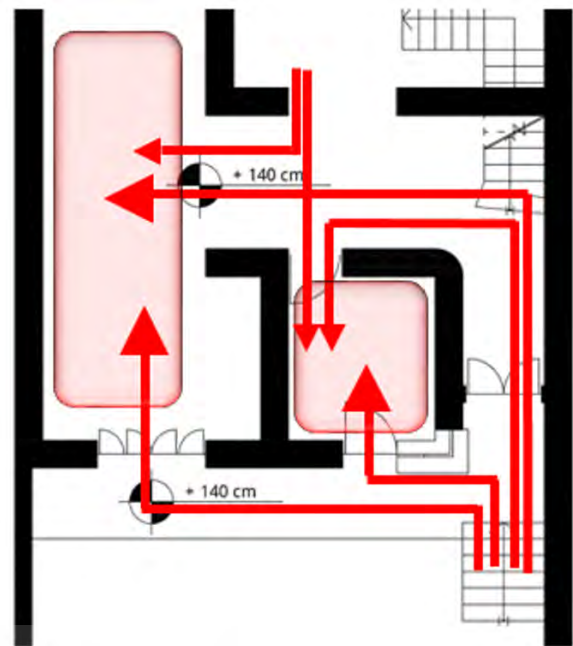
## ورود به داخل از جنوب

تصویر ۲۲. انفصال-اتصال در خانه شماره ۵. مأخذ: نگارندگان.

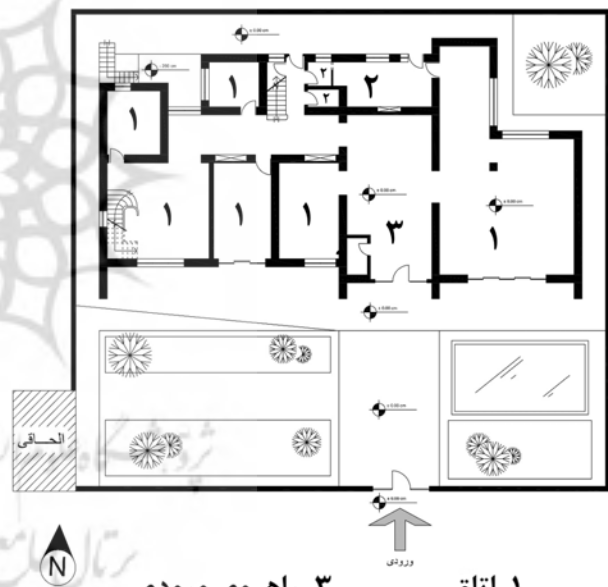
## و: دره پهلوی دوم، خانه شماره ۶

سلسله مراتب: دسترسی‌های اصلی / غربی و فرعی / شرقی در بردارنده گذرهای درجه بندی شده هستند. در ورودی اصلی، بخش‌های پیاده و سواره از هم متمایز شده‌اند. در بخش پیاده، پس از درگاه، فضای مکتی در نظر گرفته شده که در راستای آن پله‌های ورودی به داخل قرار گرفته‌اند (تصاویر ۲۳ و ۲۴). دو طرف این فضای مکت دسترسی بخش‌های جنوبی و شمالی حیاط وجود دارد. پس از عبور از درگاه ورودی فرعی، به دلیل عدم وجود فضای مکت، فشردگی فضا و تداخل فعالیت‌های گزینش مسیر و یا حرکت میان حیاط شمالی و جنوبی و حرکت در پله ورودی به داخل رخ داده است. حیاط نسبت به گذرها و بنا توسط عناصر طبیعی، مصنوع و فضاهای خدماتی و پشتیبان، متناسب با کاربری فضاهای داخلی در هر بخش عرصه بندی شده است (تصویر ۲۳). بخش‌های بالایی نما به دلیل گشودگی به بیرون در نمود بعد اجتماعی سکونت نقش دارند.

ورود به داخل از غرب شامل مراتب گذار از راه پله خارجی، پاگرد سرپوشیده، درگاه و راه پله عریض داخلی است که در درجه اول دسترسی مستقیم به هال ورودی را فراهم می‌کند. این فضا در جوانب جنوبی و شمالی خود به ترتیب رختکن و ورودی به اتاق غذاخوری متصل به آشپزخانه را در



تصویر ۱۹. نفوذپذیری اتاق‌ها در خانه شماره ۴. مأخذ: نگارندگان.

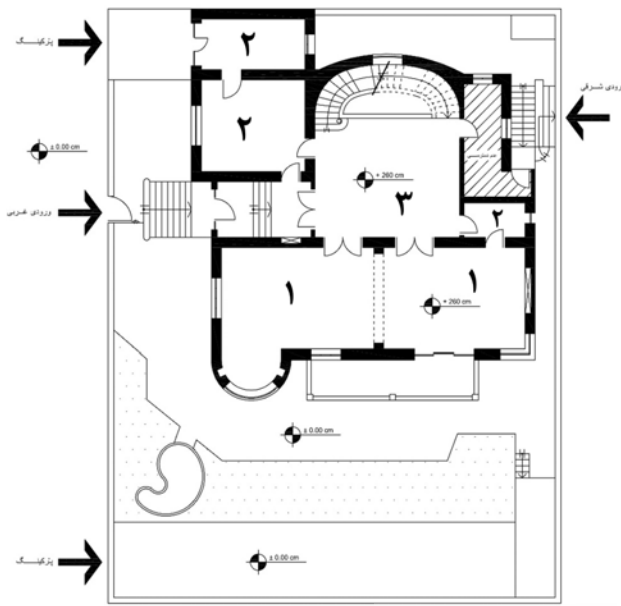


۱. اتاق  
۲. خدماتی  
۳. راهروی ورودی

تصویر ۲۰. پلان همکف خانه شماره ۵ با مقیاس ۱/۲۵۰. مأخذ: نگارندگان.

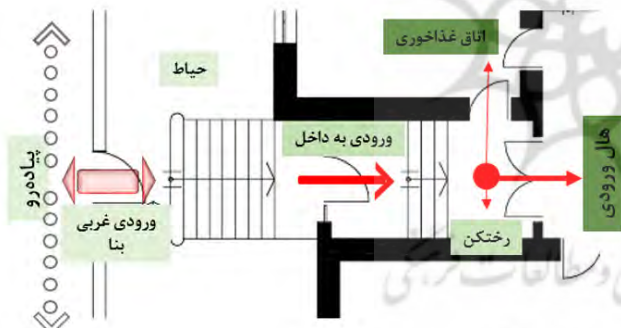


تصویر ۲۱. دید کلی به خانه شماره ۵. مأخذ: آرشیو نگارندگان.



۱. اتاق خدماتی  
۲. حال ورودی  
۳. حال ورودی

تصویر ۲۳. پلان همکف خانه شماره ۶ با مقیاس ۱/۲۵۰. مأخذ: نگارندگان.



تصویر ۲۴. مراتب گذار از بیرون به درون از غرب در خانه شماره ۶. مأخذ: نگارندگان.



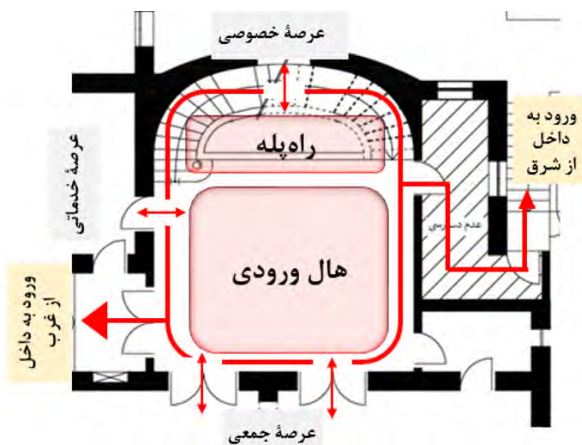
تصویر ۲۵. نمای کلی خانه شماره ۶. مأخذ: آرشیو نگارندگان.

خود جای داده است (تصویر ۲۴). مجموعه فضایی مذکور از طریق عواملی چون فرم فضا، عناصر و اندازه و مصالح و مبلمان، امکان برقراری روابط متقابل هویت و همگانیت را فراهم کرده است که با ورود به حال تکمیل می‌شود. از سوی دیگر، مراتب ورود از شرق شامل راه‌پله بیرونی و راهرو متصل به حال ورودی است. در عرصه پیوستگی، مراتب از طریق حال ورودی در ترکیب با پلکان مدور طبقات شکل گرفته است. ارتباط حال ورودی با جزءفضاها به درگاه‌های مشابه تقلیل یافته که موجب کاهش خوانایی فضا شده است. اتاق غذاخوری در جایگاه بینابین حال ورودی و آشپزخانه قرار گرفته که این نقش با توجه به طراحی دسترسی دیگر آن از راه‌پله ورودی تکمیل می‌شود (تصویر ۲۳).

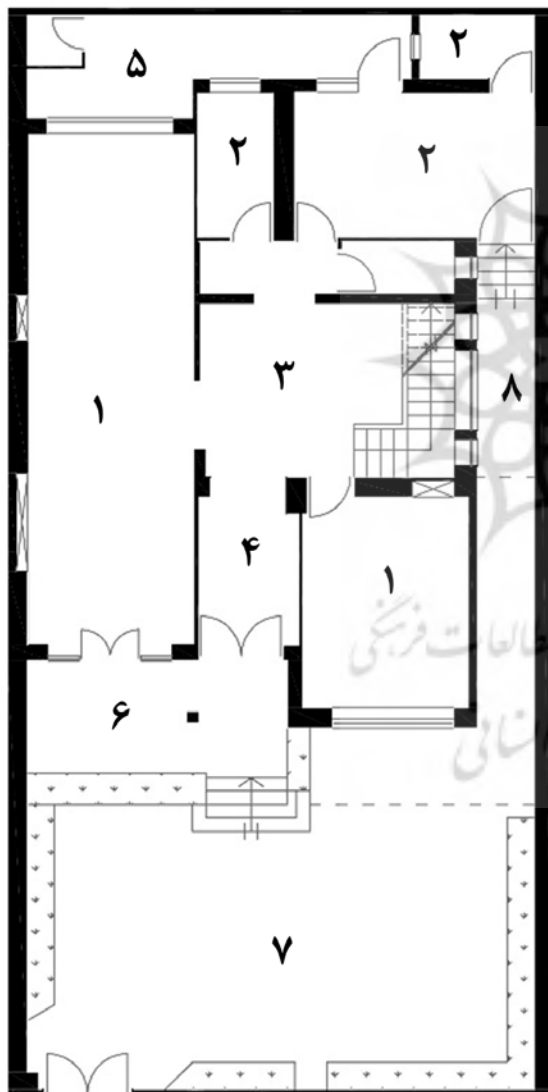
ماهیت انفصالی - اتصالی: در ورودی غربی بخش خارجی، انفصال بر اتصال غلبه دارد که موجب اختلاط توقف/ درنگ پیش از ورود با عبور و مرور در پیاده‌رو است. در بخش داخلی، راه‌پله ورودی به طبقه اول به‌عنوان مفصل عمل می‌کند. حیاط، باتوجه به موقعیت بنا در زمین، از چهارجانب عامل پیوند بنا و بیرون آن است. این پیوند در بخش نماها نیز به‌واسطه فرم بنا و گشودگی بخش‌های بالایی آن به بیرون ایجاد می‌شود (تصاویر ۲۳ و ۲۵).

انفصال - اتصال در بخش ورود به داخل از غرب، در امتداد ورودی به حیاط، به‌وسیله تغییر سطح کف، راه‌پله، درگاه سرپوشیده، تغییر نور و دما و محصوریت تدریجی از طریق نرده‌ها و تغییر مصالح در داخل شکل می‌گیرد. در ورودی شرقی، پله‌های ورودی بدون فضای مکث صرفاً به دیوار مقابل برخورد کرده و انفصال - اتصال تقلیل یافته است (تصویر ۲۳). در فضاهای داخلی، حال ورودی در ترکیب با راه‌پله، نقش مفصل را برای کلیت بنا دارد (تصویر ۲۶). ورودی اتاق‌ها به درگاه‌های مشابه تقلیل یافته و صرفاً در نقش جداکننده عمل کرده‌اند. از سوی دیگر، فضای نیمه‌باز، به‌دلیل نحوه جانمایی و بازسواپایش، اتاق‌های مجاور خود را به یکدیگر پیوند داده است (تصویر ۲۳).

گشودگی و نفوذپذیری: در عرصه اولیه، تعریف دو حوزه ورودی، در دو جبهه بنا در پیوند با هم، موجب نفوذپذیری بنا شده است. بخش حیاط و نماها از چهارجهت به بیرون گشوده و البته در معرض اشراق است. این امر امروزه در بخش حیاط به واسطه درختان بلند تعدیل شده اما در بخش تراس‌ها موجب محدود شدن کاربری به انباری، گلخانه و محل خشک کردن لباس‌ها شده است. در عرصه‌های میانی و پیوستن، انفصال - اتصال ورودی‌ها و همچنین تنوع روابط جزءفضاها موجب نفوذپذیری شده است (تصویر ۲۳ و ۲۶). این در حالی است که بحث اشراق همچنان گشودگی اتاق‌ها را محدود کرده است.



تصویر ۲۶. انفصال - اتصال در خانه شماره ۶. مأخذ: نگارندگان.



- |                 |              |
|-----------------|--------------|
| ۱. اتاق         | ۵. حیاط خلوت |
| ۲. خدماتی       | ۶. تراس      |
| ۳. هال ورودی    | ۷. حیاط      |
| ۴. راهروی ورودی | ۸. نورگیر    |

تصویر ۲۷. پلان همکف خانه شماره ۷ با مقیاس ۱/۲۵۰. مأخذ: نگارندگان.

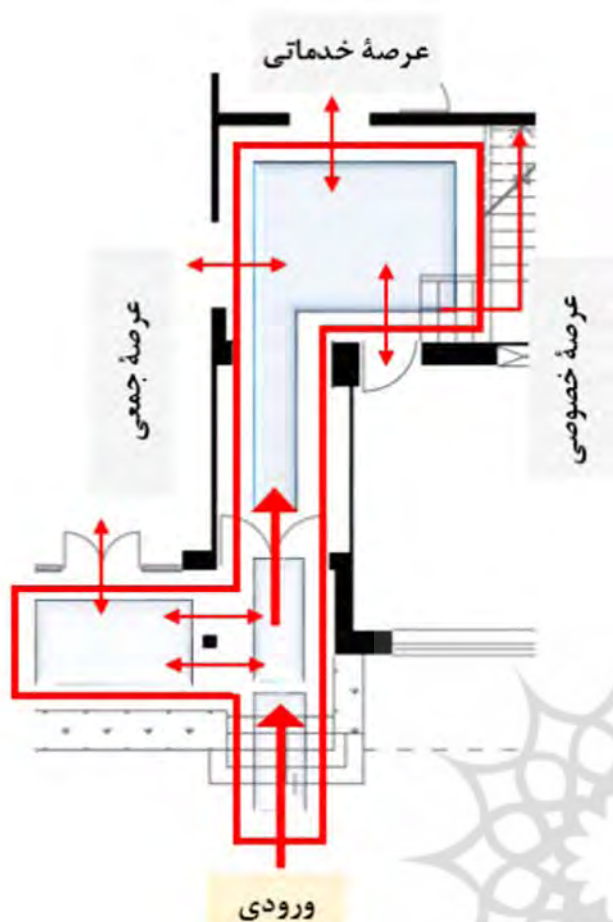
### ز: دوره پهلوی دوم، خانه شماره ۷

سلسله مراتب: با عبور از گذرهای درجه بندی شده، ورود به بنا به واسطه درگاه بین کوچه و حیاط آغاز می شود. در ادامه، با عبور از فضای حیاط، پله های ورودی (برخوردار از کیفیت دعوت کنندگی به واسطه فرم و قرارگیری در محور مرکزی فرم) در پیوند و تمایز با تراس، توسط ستون ورود به فضاهای داخلی را شکل می دهند (تصاویر ۲۷ و ۲۸). در ادامه، فرایند گذار با عبور از درگاه و ورود به راهروی ورودی منتهی به هال مرکزی ادامه می یابد. این فضاها به واسطه عناصر و اشیای گردآوری شده، نقش مهمی در نمود روابط متقابل سکونت ایفا می کنند. هال ورودی، مراتب عمومی / جمعی بودن تا خصوصی / فردی قلمروها را تنظیم کرده است. به این صورت که در غرب آن (مجاورت ورودی و دارای دسترسی به آن از تراس) اتاق بزرگ / فضای مهمان (تمایز شده با اندازه درگاه)، در جنوب آن درگاه ورودی به اتاق کوچک / شخصی، در شرق راه پله های طبقات خصوصی تر بالا و زیرزمین و در شمال، به واسطه یک راهرو، عرصه خدماتی جای داده شده است (تصاویر ۲۷ و ۲۹).

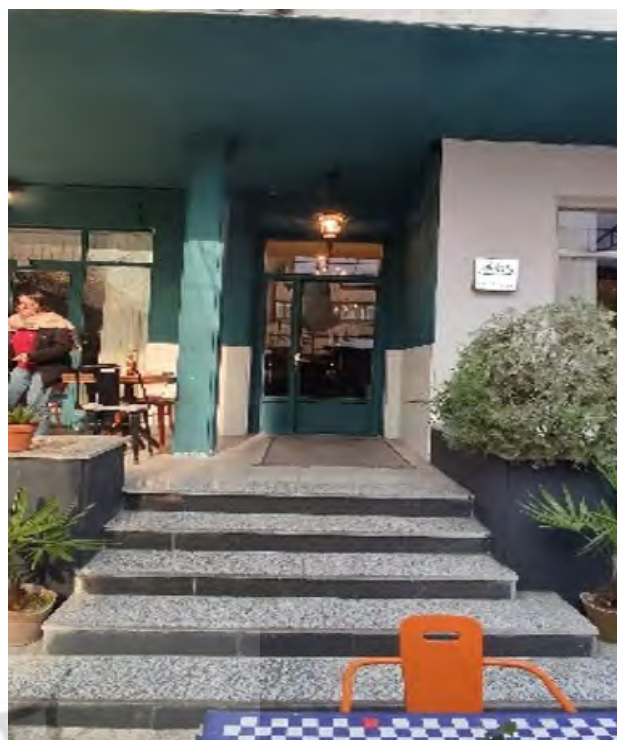
**ماهیت انفصالی - اتصالی:** در بخش بیرونی ورودی به بنا، با توجه به سلسله مراتب، به طور کلی انفصال بر اتصال غلبه یافته است. در بخش درونی، حیاط، پیوند بیرون بنا با درون را برقرار کرده است. در امتداد این فضا، در عرصه میانی، انفصال - اتصال از پله های ورودی آغاز و به واسطه راهرو در هال ورودی بارز می شود. این هال، با دربرداشتن راه پله طبقات، کلیه فضاها را در راستای افقی و عمودی به هم پیوند داده است. در درجه بعدی، فضای نیمه باز به عنوان عامل انفصال و اتصال ورودی و اتاق مهمان عمل کرده است (تصویر ۲۷ و ۳۰).

**گشودگی و نفوذپذیری:** به دلیل جانمایی ورودی در گوشه جنوب غربی زمین، گشودگی و بستگی لازم برای شکل گیری حریم حیاط و عرصه فضاهای داخلی (به عنوان درجاتی از درون) برقرار شده است. در عرصه فضاهای داخلی، هال ورودی به دلیل ماهیت انفصالی - اتصالی خود، گشودگی و نفوذپذیری داخل را ایجاد است. این فضا در جبهه شرقی خود از طریق بازشوها به نورگیر گشوده است (تصویر ۳۱). این کیفیت در بخش جنوبی از طریق پنجره اتاق کوچک و درگاه متصل به تراس در اتاق مهمان ایجاد شده و داخل را تا حیاط (تحت محدودیت اشراف) بسط داده است. علاوه بر این، کلیه فضاهای خدماتی و اتاق مهمان از طریق بازشو به حیاط خلوت شمالی گشوده اند (تصویر ۲۷).





تصویر ۳۰. انفصال- اتصال در خانه شماره ۷. مأخذ: نگارندگان.



تصویر ۲۸. ورودی به داخل در خانه شماره ۷. مأخذ: آرشبو نگارندگان.



تصویر ۲۹. مراتب گذار از بیرون به درون در خانه شماره ۷. مأخذ: نگارندگان.

عرصه فضاهای داخلی، تعدد و تنوع فضاهای داخلی و روابط میان آنها با یکدیگر و با خارج از بنا پویایی را موجب شده است (تصویر ۷).

#### ب: دوره پهلوی اول، خانه شماره ۲

در عرصه اولیه، امکان شخصی سازی از طریق تغییر جزئیات وجود دارد. حیاط دربردارنده امکان فعالیتها و کاربردهای مختلف متناسب با عادات و شیوه زندگی ساکنان است. تراس در طبقات، قابلیت مبلمان شدن و نشستن دارد. در عرصه میانی نیز، شخصی سازی از طریق تغییر در جزئیات ممکن است. در عرصه ترکیب فضاهای داخلی، انعطاف پذیری و گوناگونی در اثر قابلیت بسط و ترکیب (تصویر ۱۰) و چندعملکردی بودن اتاقها، تغییر جزئیات و کاربری بنا ایجاد شده است.

**پویایی:** در عرصه اولیه، پویایی وابسته به کیفیت گوناگونی حیاط (گردآمدن عوامل طبیعی و مصنوعی)، ریتم، عمق، تنوع مصالح و بازشوها و تزیینات نما است. در محدوده ورودی به طبقات، عناصر و اشیای گردآمده در پله ورودی و گشودگی جداره های بنا در این محدوده موجب پویایی شده است (تصویر ۸). در عرصه فضاهای داخلی، پویایی متأثر از گشودگی و نفوذپذیری و تعدد و تنوع روابط فضایی است (تصویر ۱۱).

#### - انعطاف پذیری و گوناگونی و پویایی

##### الف: دوره پهلوی اول، خانه شماره ۱

**انعطاف پذیری و گوناگونی:** در فضای ورودی غربی امکان تغییر در جزئیات وجود دارد، اما هشتی ورودی جنوبی، علاوه بر آن، از قابلیت مبلمان شدن متناسب با آداب ورود و خروج جهت نمود بعد اجتماعی سکونت برخوردار است. حیاط، پذیرنده فعالیت های مختلف متناسب با عادات زندگی ساکنان است. تراس به جهت کوچکی، نداشتن دیواره جهت امنیت و اشراف از کوچه دارای محدودیت کاربرد است (تصویر ۳۲). فضاهای داخلی چندعملکردی و دارای قابلیت ترکیب و بسط جهت سازگاری با فعالیتها و نیازهای مختلف ساکنان هستند.

**پویایی:** در فضای ورودی غربی، پویایی وابسته به عناصر و حال و هوای حیاط است. در ورودی جنوبی، هشتی با فراهم آوردن چند گزینه به عنوان مسیر، قابلیت انعطاف پذیری برای تغییرات جزئی و نیز تغییر نور و روشنی، دما و اختلاف سطح کف با حال ورودی، از پویایی بیشتری برخوردار است. تنوع حاصل از هم نشینی بازشوها و مختلف چوبی آبی در زمینه آجری بر پویایی نماها افزوده است (تصویر ۳۲). در

و قابلیت ترکیب و بسط، انعطاف‌پذیری و گوناگونی فضا را تا مقیاس تغییر کاربری موجب شده‌اند. پویایی: در عرصه اولیه و میانی، گوناگونی حیاط در زمینه عناصر فضای ورودی به داخل در کلیت نما که به واسطه پنجره‌ها و تراس و تنوع آجرچینی متمایز است (تصویر ۳۳)، موجب پویایی شده است. این کیفیت به جهت ایجاد مجموعه متنوعی از روابط میان کارکردها، عناصر و اشیای فضا و ساکنان در این عرصه شکل گرفته است. در عرصه فضاهای داخلی، پویایی وابسته به تعدد و تنوع فضاها، روابط آنها نسبت به یکدیگر و ورودی‌ها، ضمن گشودگی به بیرون در جوانب مختلف است (تصویر ۱۳).

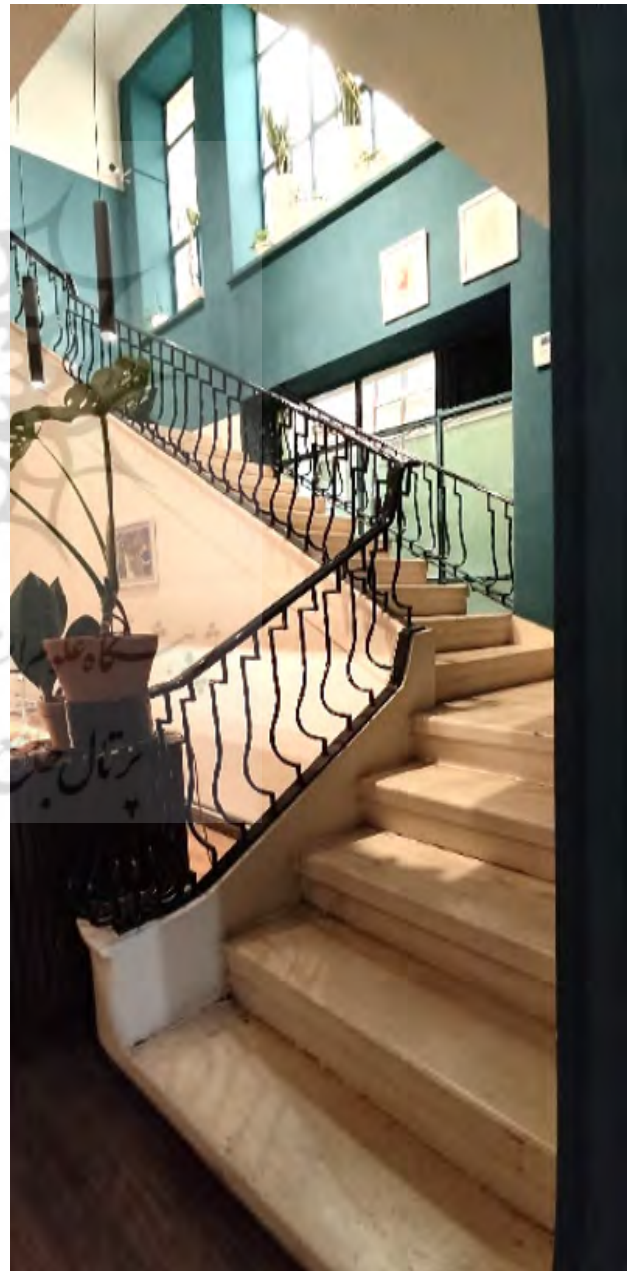
ج: دوره پهلوی اول، خانه شماره ۳  
 انعطاف‌پذیری و گوناگونی: در کلیه عرصه‌ها، امکان نمود فرایندهای از-آن-خود-سازی از طریق تغییر در جزئیات وجود دارد. به‌طور مشخص، حیاط به‌واسطه وسعت و فرم خود در چهارسوی بنا از قابلیت قابل‌ملاحظه‌ای جهت سازگاری و تغییر متناسب با فعالیت‌های مختلف فردی و جمعی ساکنان یا الحاق فضاهای پشتیبان برخوردار است. این امر نشان‌دهنده توجه به ضرورت تنوع و گوناگونی فضای باز ملازم با فضای بسته در عرصه مسکونی است. در این راستا، فضاهای داخلی نیز به جهت چندعملکردی بودن



تصویر ۳۲. نمای شمالی خانه شماره ۱. مأخذ: آرشیو نگارندگان.



تصویر ۳۳. نمای کلی خانه شماره ۳. مأخذ: آرشیو نگارندگان.



تصویر ۳۱. گشودگی و پویایی هال ورودی در خانه شماره ۷. مأخذ: آرشیو نگارندگان.



از جمله گردش و بازی، نگهداری از گیاهان و حیوانات و الحاق فضاهای خدماتی بر گوناگونی فضا افزوده است. بخش فضاهای داخلی نیز، به جهت قابلیت بسط و ترکیب و چندعملکردی بودن، این بنا را از لحاظ انعطاف پذیری شاخص کرده است (تصویر ۲۳).

پویایی: در عرصه اولیه، پویایی، حاصل تنوع دسترسی‌ها، گوناگونی حیاط (به لحاظ فعالیت‌ها و مرزبندی‌های منعطف آنها) و عناصر مصنوع و ترکیب فرم بنا با خطوط فضای باز



تصویر ۲۴. ورودی به داخل در خانه شماره ۵. مأخذ: آرشینو نگارندگان.

#### د: دوره پهلوی دوم، خانه شماره ۴

انعطاف پذیری و گوناگونی: در کلیه عرصه‌ها، امکان تغییر در جزئیات در راستای شخصی سازی فضاها وجود دارد. حیاط قابلیت کاربرد برای اهداف گوناگون و تغییر عرصه‌ها، متناسب با عادات زندگی ساکنان را دارد. تراس نیز دارای قابلیت مبلمان شدن است. این در حالی است که کلیت فضاها به جهت اشراف دارای محدودیت کاربرد هستند. از سوی دیگر، قابلیت بسط و ترکیب فضاها بر مطلوبیت انعطاف پذیری کلیت بنا می افزاید.

پویایی: در عرصه اولیه، از سمت جنوب، پویایی وابسته به حیاط و در بخش شمالی حاصل تنوع فضایی است. پویایی حیاط ناشی از گوناگونی آن و در بخش نما حاصل تنوع حرکات فرم و پروخالی حجم در زمینه ساده پلان است. در بخش ورودی‌ها به فضای داخلی، با پویایی حاصل از تنوع اندازه، مصالح، تغییر روشنی و تاریکی حین ورود مواجه هستیم (تصویر ۱۸). همچنین در فضاهای داخلی عواملی چون محدوده هال ورودی، قابلیت ترکیب اتاق‌ها، تعدد جزء فضاها و رابطه آنها با هال و همچنین گشودگی فضاها موجب پویایی شده‌اند (تصاویر ۱۶ و ۱۹).

#### ه: دوره پهلوی دوم، خانه شماره ۵

انعطاف پذیری و گوناگونی: علاوه بر امکان شخصی سازی، در همه عرصه‌ها، چندعملکردی بودن و تنوع روابط فضاها، از نوع باز، نیمه باز و بسته، بر انعطاف پذیری و گوناگونی بنا افزوده‌اند. این امر امکان تغییراتی کلی، همچون کاربری را نیز فراهم کرده است. به خصوص از این جهت که وسعت بنا، امکان الحاق فضاهای پشتیبان را دارد (تصویر ۲۰).

پویایی: در عرصه اولیه، تغییر گذرها، حیاط و عناصر آن پویایی را به ارمغان آورده‌اند. از سوی دیگر، گوناگونی حیاط به پویایی عرصه اولیه افزوده است. علاوه بر این، اختلاف سطوح فرم، تنوع مصالح، پوشش گیاهی، رابطه درختان و بنا، و شیوه ترکیب شیشه و سنگ نیز موجب پویایی شده است. این ویژگی در فضای ورودی به داخل، به دلیل ترکیب حاصل از گذر سرباز حیاط، فضای سرپوشیده ایوان، درگاه و سالن ورودی همزمان با تغییر مصالح، نور و دما حاصل شده است (تصاویر ۲۱ و ۳۴). در فضاهای داخلی، پویایی نتیجه تعدد، تنوع و نفوذ پذیری گونه‌های فضایی، ترکیب مصالح و وسعت گشودگی به حیاط است (تصویر ۲۰).

#### و: دوره پهلوی دوم، خانه شماره ۶

انعطاف پذیری و گوناگونی: در راستای ایجاد و حفظ کیفیت و قابلیت شخصی سازی از طریق تغییر در جزئیات فضاهای مختلف بنا، حیاط، به طور ویژه، با دربرداشتن امکان انجام فعالیت‌های مختلف فردی و جمعی مورد نظر ساکنان



### نتیجه گیری

ماحصل این پژوهش با توجه به پرسش از چیستی جایگاه آستانگی در نمونه‌هایی از خانه‌های ویلایی شمال بخش مرکزی تهران در دوره پهلوی نشان می‌دهد که به‌طور کلی، بیشترین تغییر در سه عامل سلسله‌مراتب، انفصال- اتصال و گشودگی به ترتیب در محدوده ورودی به بنا، ورودی به اتاق‌ها و فضاهای خارجی است. این تغییرات به ترتیب موجب غلبه گشودگی بر بستگی و انفصال بر اتصال و همچنین، غلبه یکبارگی و ضعیف‌بودن حریم داخل هنگام ورود و در مواردی ناخوانایی فضا و اشراف شده‌اند. این درحالی است که همزمان جانمایی عرصه‌های جمعی نزدیک ورودی اصلی (عمومی)، عمدتاً با ورودی متمایز نسبت به سایر فضاها به‌لحاظ اندازه در یا قاب ورودی، صورت گرفته است. در همین راستا، عرصه‌های خصوصی در مراتب انتهایی گذار و با فاصله از ورودی اصلی (نزدیک ورودی خصوصی (در صورت وجود)) یا در طبقه بالا قرار گرفته‌اند. این مسئله تقلیل ورودی اتاق‌ها به درگاه را تا حدودی تعدیل کرده است.

علاوه بر این، سالن ورودی در ترکیب با راه‌پله در نمونه‌های مطالعه‌شده مربوط به دوره دوم پهلوی، نسبت به بناهای دوره اول، به‌لحاظ ماهیت انفصالی- اتصالی قوی‌تر عمل کرده است. این سازوکار فضای انتقال مرکزی‌ای به وجود آورده که سلسله‌مراتب، انفصال- اتصال و گشودگی- بستگی حریم داخلی را در رابطه با ورودی تقویت کرده است. فضاهای نیمه‌باز نیز در بناهای مطالعه‌شده دوره دوم نسبت به بناهای دوره اول، بیشتر در جهت تقویت ماهیت انفصالی اتاق‌ها عمل کرده‌اند. به‌طور کلی، این فضاها، علی‌رغم محدودیت اشراف، به‌لحاظ کمی و کیفی مورد توجه واقع شده و از انعطاف‌پذیری، گوناگونی و پویایی بیشتری بهره‌مند هستند. سایر فضاها نیز همواره از این ویژگی‌ها برخوردار بوده‌اند. نتایج حاصل درخصوص عوامل مؤثر بر عینیت‌بخشی به مؤلفه‌های آستانگی در عرصه‌های مختلف و نیز عرصه‌های کم‌برخوردار از آنها در نمونه‌های مطالعه‌شده مطابق **جدول ۴** ارائه شده‌اند. مجموعه نتایج حاصل، با بیان چگونگی برقراری روابط فضایی (گشودگی- بستگی) و اجتماعی (هویت- همگانیت) در زمینه رابطه ساکنان با مکان، جایگاه آستانگی در بناهای مطالعه‌شده را مشخص می‌کنند. در این راستا، پیشنهاد می‌شود در پژوهش‌های آتی مجموعه‌های مسکونی چندبلوکه و منفرد نیز با این رویکرد بررسی شوند.

است. در بخش نماها، ترکیب عناصر مسطح و کمانی، تنوع بازشوها و تراس‌ها و پله‌ها در پویایی مؤثر است. در بخش ورودی به فضاهای داخلی، تنوع فضایی حاصل از انفصال- اتصال آنها موجب پویایی شده است. در عرصه پیوستگی، پویایی حاصل ترکیب هال ورودی با پلکان طبقات، تنوع روابط جزء-فضاها، فرم آنها و گشودگی آنها از طریق بازشوها و تراس‌ها به حیاط در جوانب مختلف است (**تصاویر ۲۳ و ۲۵**).

### ز: دوره پهلوی دوم، خانه شماره ۷

**انعطاف‌پذیری و گوناگونی:** بنا به‌لحاظ گونه و تکنولوژی، امکان تغییر در مقیاس جزء تا کل (تغییر کاربری) را فراهم کرده است. در این راستا، چندعملکردی‌بودن، تعدد فضاهای باز، بسته و نیمه‌باز و روابط فضایی متنوع که امکان تغییر در عناصر فضا جهت تغییر روابط درون و بیرون را فراهم آورده است، موجب انعطاف‌پذیری و گوناگونی بنا شده است (**تصویر ۲۷**).

**پویایی:** ترکیب فضای باز و نیمه‌باز، دارای خصلت گوناگونی عناصر و عملکردها، در عرصه اولیه موجب پویایی شده‌اند. در ادامه، پس از ورود به راهرو و سالن ورودی، تنوع روابط فضایی و عناصر و جزئیات فضا مهم‌ترین عامل پویایی قلمداد می‌شود (**تصاویر ۲۷ و ۳۱**).

### جمع‌بندی

این پژوهش با هدف بررسی جایگاه آستانگی در نمونه‌هایی از خانه‌های ویلایی شمال بخش مرکزی تهران در دوره پهلوی، بر مبنای ویژگی‌های فضایی حاصل از رویکرد آستانگی به سکونت انجام شده است. در این راستا، جهت شناخت ویژگی‌های آستانه‌ای فضا به تبیین جایگاه آستانگی در مفهوم سکونت نزد نوربرگ شولتر پرداخته شد. در نتیجه، ویژگی‌های آستانگی حاصل از مشخص شدن جایگاه اساسی آن در فرایند سکونی‌گزینی به شیوه‌های چهارگانه، بر مبنای رابطه متقابل سرگردانی و ماندن، تحت عناوین سلسله‌مراتب، ماهیت انفصالی- اتصالی، گشودگی و نفوذپذیری و همچنین، انعطاف‌پذیری و گوناگونی و پویایی شناخته و مبنای بررسی جایگاه آستانگی قرار داده شدند. در ادامه، عرصه‌های اولیه/ جدایی (دسترسی و ورودی بنا، فضاهای خارجی، نماها)، میانی (ورودی‌ها به داخل) و نهایی/ پیوستن (فضاهای داخلی) در بناهای مطالعه‌شده بررسی شد. این امر با توجه به غلبه برونگرایی و ارتباط بی‌واسطه‌تر بناهای مذکور با بیرون و نیز کاسته‌شدن از تنوع جانمایی آنها در زمین انجام شده است. نتایج حاصله با توجه به نقش و کیفیت ویژگی‌های آستانه‌ای در ابعاد مختلف سکونت، مشخص‌کننده جایگاه آستانگی در بناهای مطالعه‌شده این پژوهش هستند.

جدول ۴. جایگاه آستانگی در نمونه خانه‌های ویلایی تهران دوره پهلوی. مأخذ: نگارندگان.

دوره بنا	عوامل مؤثر بر شکل‌گیری مؤلفه‌های آستانگی	عرصه‌های کم‌برخوردار از مؤلفه‌های آستانگی و عوامل مؤثر بر آنها
مختص هر بنا	مشترک	مختص هر بنا
پهلوی اول	<p>۱ - تعریف دو ورودی اصلی و فرعی، در پیوند با هم، به‌عنوان فضای انتقال و برقرار کننده ماهیت انفصالی-اتصال کلیت بنا.</p> <p>- ادراک گذار و امکان گزینش و عدم اختلاط فعالیت‌ها در لحظه ورود به داخل از جنوب.</p> <p>۲ - نفوذپذیری کلیت فضا با توجه به ماهیت انفصالی-اتصال حال ورودی.</p> <p>- پویایی حاصل از عناصر نما</p> <p>- انعطاف‌پذیری و گوناگونی تراس.</p> <p>۳ - برقراری انفصال-اتصال کلیت فضا به جهت تعریف دو ورودی اصلی و فرعی در پیوند با هم از طریق راهروی ورودی در ترکیب با راه‌پله.</p> <p>- تعریف پیش‌ورودی برای فضای مهمان و کلیت فضای داخلی (شکل‌دهنده به بعد اجتماعی).</p>	<p>- غلبه یکبارگی و جدایی بر پیوند در ورودی بنا و اتاق‌ها (همچنین تقلیل خوانایی در این بخش) به جهت کم‌توجهی به سلسله‌مراتب و انفصال-اتصال.</p> <p>- کم‌توجهی به گوناگونی تراس.</p>
پهلوی دوم	<p>۴ - تعریف دو ورودی اصلی و فرعی به‌عنوان فضای انتقال و انفصال-اتصال آنها از داخل به‌عنوان مرکزی در جهندی شده در هیئت حال ورودی، راهرو و راه‌پله اطراف آن.</p> <p>- تعریف تراس در نقش مفصل اتاق‌های مجاور، دارای انعطاف‌پذیری و گوناگونی.</p> <p>۵ - عرصه‌بندی حیاط بر اساس نحوه جانمایی بنا در زمین.</p> <p>- تعریف فضای انتقال مرکزی و جانمایی جزء-فضاها در اطراف آن در جهت انفصال-اتصال و گشودگی انواع فضاها در عرصه‌های درجه‌بندی شده و متمایز پیرامونی.</p> <p>۶ - تعریف ورودی‌ها و مسیرهای سواره و پیاده.</p> <p>- عرصه‌بندی حیاط.</p> <p>- طراحی سلسله‌مراتبی و مبتنی بر ماهیت انفصالی-اتصال یا تعریف فضای انتقال میان دو ورودی پیاده از طریق ترکیب حال ورودی و راه‌پله و متناسب با بعد اجتماعی. پویایی حاصل از فرم بنا.</p> <p>- تراس در مقام مفصل برای اتاق‌های مجاور.</p> <p>۷ - طراحی پویای سلسله‌مراتب و انفصال-اتصال میان عناصر مختلف ورودی به فضاها داخلی در جریان گذار از فضای باز، نیمه‌باز و بسته در داخل به مرکزیت حال ورودی در ترکیب با راه‌پله. گوناگونی و نقش مفصلی تراس‌ها برای اتاق‌های مجاور.</p>	<p>- غلبه انفصال بر اتصال در ورودی‌ها به بنا و اتاق‌ها.</p> <p>- غلبه انفصال بر اتصال و گشودگی بر بستگی در سلسله‌مراتب ورودی بنا و تشدید آن به جهت قرارگیری ورودی فضاها داخلی در راستای آن.</p> <p>- غلبه جدایی بر پیوند و گشودگی بر بستگی به دلیل کم‌توجهی به ماهیت انفصالی-اتصال در تعریف سلسله‌مراتب ورودی به بنا و اتاق‌ها (ضمن تقلیل خوانایی در این بخش).</p> <p>- غلبه انفصال بر اتصال در ورودی بنا.</p>

غلبه گشودگی بر بستگی و محدودیت اتراف در کلیت فضاها به جهت کم‌توجهی به سلسله‌مراتب و انفصال-اتصال

نوع فعالیت‌ها در جهت انعطاف‌پذیری، گوناگونی و پویایی. - درجه‌بندی مسیرهای دسترسی به بنا. - حیاط به‌عنوان عامل اصلی پویایی بنا. - نمود بعد اجتماعی در محدوده نما به جهت گشودگی به بیرون.

### اعلام عدم تعارض منافع

نویسندگان اعلام می‌دارند که در انجام این پژوهش هیچ‌گونه تعارض منافی برای ایشان وجود نداشته است.

### پی‌نوشت‌ها

۱. به‌طور ویژه نزد ون گنپ (Arnold Van Gennep) و ترنر (Victor Turner)
۲. Liminality
۳. Social

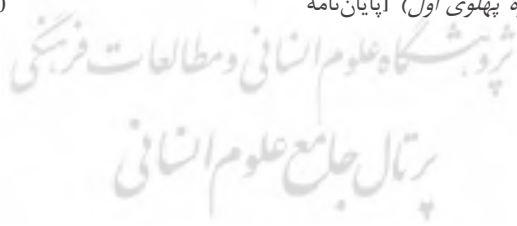
۴. Spatial
۵. Dialectics of Appropriation
۶. identity
۷. communality
۸. openness
۹. closedness
۱۰. بنا بر روش ذکر شده در متن هر پژوهش.
۱۱. بازه تاریخی ارائه‌شده برگرفته از منابع مطالعاتی معماری ایران در دوره پهلوی بوده است.
۱۲. بازه انتخاب‌شده بر مبنای منابع مطالعاتی در حوزه معماری پهلوی تعیین شده است.


فهرست منابع

منتشر نشده کارشناسی ارشد]. دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه هنر اصفهان.

- Cyril, M. H. (Ed.). (2000). *Dictionary of architecture & construction* (3rd ed.). McGraw-Hill.
- Dovey, K. (1985). Home and homelessness. In I. Altman & C. M. Werner (Eds.), *Human Behavior and Environment (Home environments)* (Vol. 8, pp. 33-64). Springer. [https://doi.org/10.1007/978-1-4899-2266-3\\_2](https://doi.org/10.1007/978-1-4899-2266-3_2)
- Gauvain, M., & Altman, I. (1982). A cross-cultural analysis of homes. *Architecture & Comportement/Architecture & Behaviour*, 1(2), 27-46. <https://www.epfl.ch/labs/lasur/wpcontent/uploads/2018/05/GAUVAINandALTMAN.pdf>
- Merriam-Webster. (n.d.). Liminal. In *Merriam-Webster.com dictionary*. Retrieved December 8, 2022, from <https://www.merriam-webster.com/dictionary/liminal>
- Norberg-Schulz, C. (1971). *Existence, space & architecture* (3rd ed.). Praeger.
- Norberg-Schulz, C. (1985). *The concept of dwelling: On the way to figurative architecture*. Rizzoli.
- Zimmerman, P. T. (2008). *Liminal space in architecture: Threshold and transition* [Master's thesis, University of Tennessee]. TRACE. [https://trace.tennessee.edu/utk\\_gradthes/453](https://trace.tennessee.edu/utk_gradthes/453)
- Turner, V. W. (1966). Liminality and communitas: Form and attributes of rites of passage. In *The ritual process: Structure and anti-structure* (pp. 94-130). Cornell University Press. <https://b2n.ir/h75299>
- Wolford, R. L. (2008). *Wandering in Dwelling*. Washington State University. <https://B2n.ir/r24960>

- بنتلی، ای‌ین؛ ال‌کک، آلن؛ مورین، پال؛ مک‌گلین، سو و اسمیت، گراهام. (۱۳۹۸). *محیط‌های پاسخده: کتابی راهنما برای طراحان* (ترجمه مصطفی بهزادفر). دانشگاه علم و صنعت ایران. (اثر اصلی منتشره ۱۹۸۵)
- جانی‌پور، بهروز. (۱۳۷۹). *سیر تحول معماری مسکن تهران در دوره پهلوی* [رساله منتشر نشده دکتری]. دانشکده هنرهای زیبا، دانشگاه تهران.
- حبیبی، سید محسن؛ اهری، زهرا و امامی، رشید. (۱۳۸۹). از فروریختن باروها تا اندیشه شاهراه‌ها، پیشینه طرح‌های شهری و انگاره‌های شهر تهران از ۱۳۰۹ تا ۱۳۴۵. *صفه*، ۲۰(۱)، ۸۵-۱۰۲. [https://soffeh.sbu.ac.ir/article\\_100386.html](https://soffeh.sbu.ac.ir/article_100386.html)
- حمیدی، ملیحه؛ سیروس صبری، رضا؛ حبیبی، محسن و سلیمی، جواد. (۱۳۷۶). *استخوان بندی شهر تهران* (جلد ۲ و ۳). سازمان مهندسی و عمران شهر تهران.
- رجبی، پرویز. (۱۳۵۵). *معماری ایران در عصر پهلوی*. دانشگاه ملی ایران.
- علی‌نیای مطلق، ایوب؛ شکوری، رضا و عینی‌فر، علیرضا. (۱۳۹۸). بازخوانی مفهوم آستانگی در معماری و تبیین مراتب معنایی آن بر اساس ریشه‌شناسی واژه و آرای اندیشمندان حوزه معماری. *صفه*، ۲۹(۴)، ۳۹-۵۸. <https://doi.org/10.29252/soffeh.29.4.39>
- قاسمی، فرزانه؛ سید احمدی زاویه، سید سعید و منشی‌زاده، آرزو. (۱۴۰۲). مطالعه زمینه‌ها و عوامل مؤثر بر آستانگی در معماری مسکونی دوره پهلوی. *معماری‌شناسی*، ۶(۲۶)، ۱-۸. [https://memarishenasi.ir/files/cd\\_papers/r\\_965\\_230623182517.pdf](https://memarishenasi.ir/files/cd_papers/r_965_230623182517.pdf)
- مایس، پیرفون. (۱۳۹۲). *نگاهی به مبانی معماری از فرم تا مکان همراه با تحلیل و قیاس با مبانی معماری ایران* (ترجمه سیمون آیوازیان). مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران. (اثر اصلی منتشره ۱۹۸۹).
- یزدیان، محسن. (۱۳۹۰). *بررسی ویژگی‌های معماری ورودی خانه‌های تهران (اواخر دوره قاجار تا پایان دوره پهلوی اول)* [پایان‌نامه]



<p><b>COPYRIGHTS</b> Copyright for this article is retained by the author(s), with publication rights granted to the Bagh-e Nazar Journal. This is an open-access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution License (<a href="https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/">https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/</a>).</p>	
<p>نحوه ارجاع به این مقاله: قاسمی، فرزانه؛ سید احمدی زاویه، سیدسعید و منشی‌زاده، آرزو. (۱۴۰۳). بررسی جایگاه آستانگی در معماری خانه‌های ویلایی شمال بخش مرکزی تهران در دوره پهلوی بر اساس مفهوم سکونت نزد نوربرگ‌شولتز. <i>باغ نظر</i>، ۲۱(۱۳۵)، ۴۰-۲۱.</p> <p>DOI:10.22034/BAGH.2024.423168.5479 URL: <a href="https://www.bagh-sj.com/article_200548.html">https://www.bagh-sj.com/article_200548.html</a></p>	